

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۴ برابر ۱۲ مه ۱۹۸۵
بها ۴۰ ریال - سال دوم - شماره ۵۶

- علت کمبود نفت در زمستان سال گذشته چه بود؟
- چرا به تعاونی ها، حواله پارچه نمی دهند؟
- چرا برای مونتاژ بولدوزر با شرکت آلمانی لیپهر قرارداد بسته شده است؟

دانست. وزیر بازرگانی در پاسخ به این سؤال که چرا به تعاونی ها، حواله پارچه نمیدهند گفت وقتی بنکداران و تجار بزرگ پارچه وجود دارند دیگر چه نیازی به تعاونی است؟ وزیر صنایع سنگین در پاسخ به این سؤال که چرا برای مونتاژ بولدوزر با شرکت

در جلسه روز ۵ شنبه ۱۲ اردیبهشت مجلس شورای اسلامی، وزرای نفت، بازرگانی و صنایع سنگین به سئوالات سه تن از نمایندگان پاسخ گفتند. وزیر نفت در این جلسه، علت کمبود نفت در زمستان سال گذشته را اختلاف با سازمان برنامه و عدم تخصیص ارز برای خرید فرآورده های نفتی

رژیم در هراس از جنبش کارگری

امسال در اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر، رهبران جمهوری اسلامی بیش از سال گذشته بر میزان عوامفریبیهای خود در رابطه با کارگران و زحمتکشان و باصطلاح خود آنها "مستضعقان" افزودند. این امر اتفاقی نیست، جنبش کارگری میهن ما رژیم را هراسان ساخته و رهبران حکومت را به چاره جویی واداشته است. راهی که رهبران رژیم در برابر این جنبش پر صلابت در برابر خود می بینند افزودن بر میزان عوامفریبی از یکسو و از سوی دیگر توسل به نیروی سرکوب است.

اگر چه رژیم همچنان توسل به نیروی سرکوب را آخرین چاره می داند، اما شواهد حاکی از آنست که رژیم از اواخر سال گذشته در مورد جنبش کارگری به یک جمع بند رسیده و برای مهار این جنبش خط

افزودن بر میزان عوامفریبی و دادن امتیازهای موضعی را برگزیده است. اظهارات وزیر معادن و صنایع درباره اعتصاب گسترده کارگران ذوب آهن - که متن آن در "اکثریت" شماره قبل چاپ شد - افزایش حداقل حقوق کارگران تا سطح ناپنج ۲۰ ریال در روز، مصاحبه وزیر کار با روزنامه کیهان به مناسبت روز جهانی کارگر، نقلی خامنه ای، در مراسم این روز و سخنان اخیر خمینی و منتظری، همه بر این امر دلالت دارند.

طبیعتاً یک جنبه از تبلیغات ارنجائی رژیم در رابطه با کارگران، گسترش تبلیغات ضد کمونیستی است. بخش چشمگیری از سخنرانی های مراسم فرمایشی روز کارگر در استادیوم آزادی تهران و بویژه نقلی خامنه ای، به سپاشی علیه نیروهای چپ و کشورهای سوسیالیستی اختصاص داشت. خامنه ای در سخنرانی خود در این مراسم اظهار تأسف کرد که چرا

بقیه در صفحه ۲

گزارشی از آهوران

سرزمین رنج های بی مانند و دلاوری های سترگ

در صفحه ۶

مردی که اسطوره شد

به مناسبت سالگرد شهادت خسرو روزه

در سرگاه (۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۲۷)، دژخیمان رژیم ستم شاهی خسرو روزه قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را به دستور مستقیم شاه در زندان حشمتیه تهران به شهادت رساندند. حماسه زندگی و شهادت روزه، به مشعل فروزانی بدل شد که روشنی بخش راه پویندگان ایرانی آباد، آزاد و مستقل و ایرانی عاری از رنج و ستم و استثمار است.

خسرو روزه انسانی بود که زندگی و همه نبوغ و استعداد و گوهر هستی خود را نثار راه تحقق آرمانهای والا و مردمی خلق محروم و رنج دیده میهن ماکرد. عشق او به زحمتکشان و ستم دیدگان پایان ناپذیر بود. همین عشق به زحمتکشان، رنجبران و به میهن و اندیشه بهروزی و سعادت آنان بود که روزه را خیلی زود در صف مبارزان و مخالفین رژیم ستم شاهی قرارداد.

روزبه که سروان ارتش بود، در سال ۱۳۲۴ پس از سرکوب قیام افسران خراسان بناچار مخفی شد و با تگارش سلسله مقالاتی به افشا مفاسد سران ارتش

بقیه در صفحه ۱۰

منع تحصیل زنان در خارج از کشور

روز پنجشنبه ۲۴ فروردین ماه ۶۴ لایحه اعزام دانشجویه خارج از کشور در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. بموجب این لایحه زنان لیسانس و بالاتر با توجه به سایر ضوابط مندرج در این قانون تنها در صورتی که ازدواج کرده باشند و در معیت همسر خویش می توانند داوطلب تحصیل در خارج از کشور شوند.

در چهارچوب افکار ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی تحصیلات عالی برای زنان نمی گذیند. از این رو در بسیاری از رشته های دانشگاهی داخل کشور مانند رشته های فنی و کشاورزی و ... دختران را از تحصیل محروم کرده اند و در رشته های باقی مانده با شروط بسیار و تخصیص درصد اندکی از سهمیه برای دختران ادامه تحصیل را سد نموده اند. در محدود رشته های تخصصی داخل کشور عملاً از پذیرش زنان خودداری می شود. در ادامه این تضيیقات و فشارها اکنون از اعزام آنها به خارج برای تحصیل در مدارج عالی تر نیز جلوگیری می شود.

رژیم جمهوری اسلامی بدینگونه می خواهد از

بقیه در صفحه ۲

شاه پرستان بی وطن

گسترش جنگ را خواستارند

"دستجات متعفن شاه پرست، سازشکاران معلوم الحال و خمینی پرستان مرتجع هر یک می کوشند در مسابقه خیانت و جنایت از یکدیگر بیفت بتیرند" (از پیام رفیق فرخ نکند ارب به مناسبت سال نو)

در هر آنچه که ضد مردمی و ارتجاعی است میان رژیم خمینی و تفاله های رژیم شاه اتفاق نظر و عمل وجود دارد. از جمله هماهنگی میان شاه پرستان و خمینی پرستان در دامن زدن به جنگ خانمانسوز میان ایران و عراق در ماه های اخیر همزمان با شعله ورت شدن آتش جنگ، نمود بیشتری یافته است. دستجات شاه پرست نیز هماهنگ با نعره های جنگ طلبانه ی اوپاش رژیم خمینی فریاد "جنگ جنگ تا پیروزی" سر داده اند. آنان در عین اینکه سر در اخور رژیم عراق دارند، در انطباق با سیاست های امپریالیستی تبلیغات جنگ طلبانه را تشدید کرده اند.

کیهان لندن یکی از ارکان های شاه پرستان در سرمقاله شماره ۲۸ می نویسد:

"این جنگ برای ایران جنگ سرنوشت است. شکست در این جنگ برای ملت ما می تواند سر آغاز سقوطی به اعماق تاریخ باشد. ایران محکوم به این است که در این جنگ پیروز شود."

شاه پرستان با این تبلیغات می کوشند تداوم جنگ را توسط خمینی بر حق جلوه دهند و راه بیرون رفت از بن بست کنونی را گسترش بازم بیشتر جنگ و آتش افروزی وانمود نمایند. در این زمینه میان مضمون مطالب کیهان لندن و کیهان تهران تفاوت چندانی نمی توان یافت

بقیه در صفحه ۲

در این شماره:

نامه احزاب بزرگ هند

به اجلاس عدم تعهد جهت قطع جنگ ایران و عراق

در صفحه ۲

اعتراض علیه جنگ در برابر سازمان ملل

در صفحه ۲

پشتیبانی شخصیت های مترقی هندوستان

از مردم ایران

در صفحه ۳

پشتیبانی کمونیست ها و کارگران ایتالیایی

از زندانیان سیاسی

در صفحه ۳

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

رژیم در هراس از جنبش کارگری

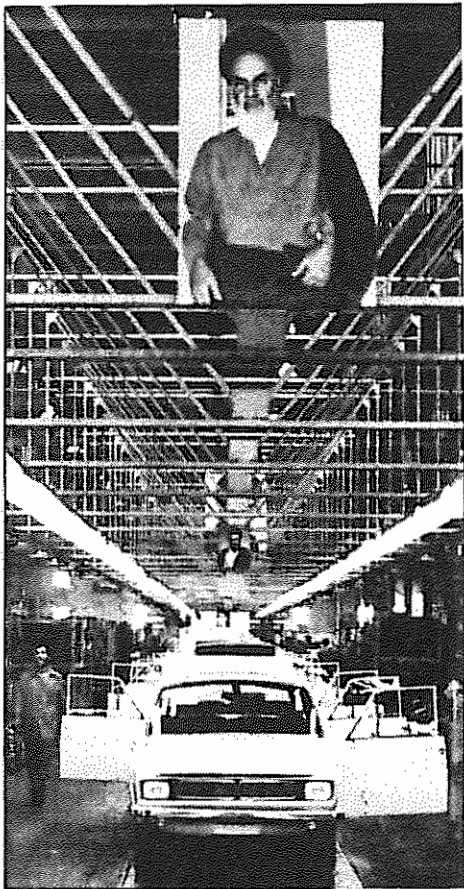
بقیه از صفحه اول

جمهوری اسلامی از همان روزهای اول انقلاب سرکوب شدید نیروهای چپ را در پیش گرفته بود.

در حال حاضر مهمترین محور عوامفریبی رژیم در رابطه با کارگران تبلیغ بر سر قضیه فروش سهام کارخانجات است. رژیم برای مهار جنبش کارگری به صورت شتابزده ای به این محور تبلیغی دست یازید. بیپایه نیست که هنوز خود مطرح کنندگان این طرح در تبیین آن وامانده اند و از بیان کم، کیف و چگونگی پیاده کرده آن عاجزند. وزیر کار در مصاحبه با کیهان با زبان بی زبانی به کارگران می گوید ما حرفی از دهانمان برید، ولی شاجده، نثارید!

جنبه دیگری از میاهو بر سر مساله فروش سهام کارخانجات به کارگران، منحرف ساختن توجه کارگران از قانون کار است که اخیراً بدون سروصدا از تصویب هیات دولت گذشت و به مجلس داده شد. رژیم از آن هراسان است که با تمرکز توجه کارگران بر روی این قانون، بحث حول آن همه گیر شود و بر سر آن همان آید که بر سر قانون کار ترکیبی آمد.

روشن است که جنبش کارگری میهن ما در حال حاضر قدرتمندتر و گسترده تر از آن است که عوامفریبی های جمهوری اسلامی بتواند آنرا مهار کند. خود همین عوامفریبی ها بیاتر قدرت جنبش کارگری است. به رغم همه این ترفندهای رژیم خمینی، طبقه کارگر ایران "در صحنه نبرد انقلابی حضور فعال دارد و پیشاپیش همه نیروهای اجتماعی گام بر می دارد." ●



خط تولید زیر تپه غضبناک "آقا" نیز کند کار می کند

شاه پرستان بی وطن ...

بقیه از صفحه اول

ایران و جهان ارکان دکتر امینی در شماره ۲۲۵ می نویسد:

" آنها می جتند تا مرزهای میهن گرامی ما محفوظ بماند. آن ها برای حفظ و حراست از سرزمین مقدس ایران و برای دفاع از ارزشهای والا، ناسیونالیسم ایران جنگ می کنند... درود به جوانان و رزمندگان ایران در جبهه های جنگ، درود به ارتش دلیر و پیروزمند ایران."

حتی مداحان حرفه ای خمینی هم ندرتاً قادرند اینگونه بی پروا و وقیحانه به تجلیل جنایاتی بپردازند که در جبهه جنگ ایران و عراق رخ می دهد.

دستجات ضد انقلابی شاه پرست برای اینکه به ارباب آمریکائی ثابت کنند که بهتر از دیگر رقبای تبلیغاتی جنگ افروزان ترانا هستند، سعی دارند دستجات رقیب را در این زمینه ناتوان نشان دهند. یکی از این دستجات می نویسد که " در چنین شرایطی بختیار با اعلامیه ۹ ماده ای خود می خواهد اقتصاد ایران را برای پیروزی عراق به صورت فلج در آورد... می گوید باقی کار تا سقوط با ماست و معلوم است سقوط در شرایط فعلی یعنی پیروزی، صدام "

(نهضت چاپ کالیفرنیا، شماره ۴۹)

این وطن فروشان مزدور که همه چیزشان آمریکائی است ظاهراً خود را نثران وطن نشان می دهند. اما مصاحبه یکی از تئوریسین های اصلی آنان شامین فالسی نشان می دهد که آنان جز در فکر پیاده کردن طرحهای آمریکائی نیستند. آنان در همان حال که در کیهان لندن به " جوانان و رزمندگان ایران در جبهه های جنگ " درود میفرستند از سوی دیگر از زبان شامین فالسی در مصاحبه با رادیو آمریکا به توجیه و تذهیب جنایات رژیم صدام حسین بر می خیزند. او همزمان با گسترش فاجعه بار جنگ در ماههای اخیر می گوید " این چیزهایی است که در این جنگ قابل درک است... دفاع عراق در مقابل تهاجم خمینی بسیار مشروع است " (به نقل از ایران و جهان شماره ۲۲۶)

پیداست که ارتباط شاه پرستان با ساکاکان حاکم بر بغداد تنها از طریق تبلیغات جنگ افروزان بود خمینی یا صدام حسین نمود نمی یابد پشت رسوائی، جیره خورای، اوبسی جلاد، تیسار " دفتر مخصوص "

منع تحصیل زنان ...

بقیه از صفحه اول

" مشکل " زنان تحصیل کرده در مشاغل حساس که نتوانسته اند براحتی به بهانه مازاد بودن آنها را اخراج کنند اوده خاطر شود. برای چهل گستران رژیم جمهوری اسلامی که تمامی تلاش شان مأموریت داشتن زنان در چارچوب خانه است، تحصیلات برای زنان نه تنها لزومی ندارد بلکه فساد انگیز است. بنظر آنها از آنجا که " زنان قدرت تفکر ندارند " باید همه جا برایشان یک سرپرست تراشید و از آنجا که " جنس ضعیف " هستند همیشه در معرض انحراف و آسیب هستند. آنها این پیش پوسیده و نفرت انگیز را " گذشت اخلاقی در جهان " می نامند.

توجه به گوشه ای از صحبت های تدوین کنندگان این لایحه مضمون چرکین پند ارایشان را بر ملا می کند. عبد خدایی رئیس کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی: " در بعضی از دانشگاهها "

رضانیم بپلو. از عراق مدتپیش از هلاکتش از بام به زیر افتاده بود. او در از آن ویخواست امپریالیستها نهایت همکاری را با ژنرالهای عراقی برای تصرف مناطق غربی میهن به عمل آورده بود. همانگونه که دبتر وطن فروشان از قبیل پالیزیان، سردار جاف، سالار جاف و... هنوز هم نان مزدوری رژیم عراق را می خورند. همین چندی پیش یکی از روزنامه های شاه پرستان پرده از روی جریان کتک کاری تیسار شاهنشاهی مصطفی امجدی بایک سرکرده شاه پرست دیگر در یکی از هتل های نیویورک برداشت. این کتک کاری بخاطر نحوه تقسیم سیصد هزار دلار اهدائی رژیم عراق و در حضور وابسته دیپلماتیک عراق در سازمان ملل رخ داده بود.

(ایران امروز شماره ۹۹)

وابستگی همه جانبه شاپور بختیار به عراق حتی توسط خودش هم انکار نمی شود. او درست و حسابی مواجب بگیر طارق عزیز است. حتی نشریه نهضت چاپ کالیفرنیا که ارکان متحدین اوست در شماره ۴۱ به این امر اعتراف می کند. شاپور بختیار مانند داود امیر قاسمی در اجلاس های ویژه ای در بغداد شرکت می جوید.

اما طبعاً وابستگی همه جانبه بختیار رسوا به عراق باعث نمی شود که جناح او نیز لااقل در ظاهر با تبلیغات جنگ افروزان خمینی همراهی نشان ندهد. تیسار بختیاری، جواد معین زاده، در ورق پاره آرا شماره ۱۱۰ می نویسد که: " پاسخ دندان شکنی به دولتمردان متجاوز عراق و جنگ افروزان داده خواهد شد... دستهای پر توان همکاران قهرمان خود را به گرمی میفشاریم "

" قیام ایران " ارکان بختیارها در شماره ۱۱۲ همزمان با مسافرت دبیر کل سازمان ملل برای یافتن طرق صلح، می کوشد با آن مقابله کند و آن را بیپرده و انمود نماید

روش شاه پرستان در برخورد با مساله جنگ جلوه بارزی از وطن فروشی، سرپرستی و سفاکی آنان است. آنان که با انقلاب بهمین بهانه دانی تاریخ پرتاب شده اند با دستهای خونین برای همتایان خود در رژیم جمهوری اسلامی کف میزنند و کشتار بیشتر، جنگ پر دامنه تر و خیانت گسترده تر را خواستار می شوند و این درست با خواست و نیات خمینی انطباق دارد. ●

خارجی، دختر خانمهای آنجا در محیط دانشگاه آفتاب می گیرند آنها با همه خصوصیاتش، در اینجا است که دختر هر چقدر متدین باشد در معرض تعرض قرار می گیرد و یا در خوابگاهها باید در آنجا تک تنها بدون اینکه هیچ کس سرپرستی او را داشته باشد، یک خوابگاهی استراحتگاهش باشد، از شهری به شهر دیگر باید مسافرت بکند، و چون در معرض تعرض بیشتر ممکن است قرار بگیرد و جنبه آسیب پذیرش زیاده تر است، از این جهت در پسر ها اولویت باشد برای ازدواج و در خانمها حتماً با معیت پدرش برود، این یک اصل اسلامی و گذشت اخلاقی در جهان است."

بعقوبی عضو کمیسیون امور قضایی و حقوقی: " احساسات و عواطف در زن قویتر است و ممکن است زنها زودتر در معرض انحراف قرار بگیرند. برای همین بهتر است ازدواج کنند و بعد به خارج بروند. " ●

از میان نامه‌ها

نامه دختر دانش آموزی از گنبد

جمهوری اسلامی در رابطه با دانش آموزان ترکمن همچنان سیاستهای رژیم پیشین را ادامه می دهد. معلمهای تربیتی دبیرستان های گنبد از شهرهای دیگر انتخاب میشوند که بپا هستند نامعلم.

معلمان دلسوز را اخراج کرده اند معلمان اخراجی ساواکی را که در سال ۵۸ اخراج کرده بودند دوباره بر سر کار باز گردانند. حتی رحمان قلی سیدی که دبیر و ناظم دبیرستان پسرانه مختومقلی فراغی و نماینده مجلس در رژیم شاه بود.

اگر بخواهیم سیاستهای ضد آموزش و پرورش را در رابطه با دانش آموزان ترکمن بنویسم مثنوی هفتاد من کاغذ میشود. در ماه بهمن بود که معلم تربیتی کلیه دانش آموزان را به مدت یک ساعت بیرون نگاه داشت چون معلم روحانی ذوق سخن رانی اش گرفته بود. و بعد از یک ساعت سخنرانی گفت تمام بچه های مدرسه باید چادر ترکمنی را کنار بگذارند و چادر سیاه و یا تیره باید سر کنند و یا مقنعه. ولی ما چادر ترکمنی بر سر داشتیم که باب ذوق آنها نبود. گفته های او اعتراض دانش آموزان را برانگیخت. هر کس چیزی می گفت. یکی می گفت رسم و آداب و سنن ما این است. یکی می گفت شادلتان می خواهد ما فقط چادر سیاه بر سر داشته باشیم. یکی می گفت پدران و مادران ما مخالف روسی سیاه هستند زیرا بدین می باشند. مسئول تربیتی و دینی اعلام کرد از فردا هر کس این قانون را رعایت نکند باید همراه پدر و مادرش بیاید. و اگر کسی بیش از ۲ بار قانون شکنی کند از مدرسه اخراج خواهد شد. و از نمره انضباطی وی نیز ۵ نمره کم خواهد شد.

وی به خیال خام خود می خواست ما را بترساند. ولی فردای آن روز به جز عده انگشت شماری همتی با چادر ترکمنی آمدیم مسئولین برای اینکه دانش آموزان را فریب بدهند مقداری از روسیهایی که در بازار سیاه گرانقیمت بود با قیمت ارزانی برای فروش به مدرسه آوردند. ولی کسی از آن چادرها نترفت. و اینبار نیز حیل و ترفند داشت.

و کلا مدرسه ما عضو انجمن اسلامی دارد. که دو تایی آنها برای ورود به دانشگاه و از فرصت طلبی عضو شده اند.

با توجه به بمبارانهای اخیر که چوب آنرا مستقیما مردم می خورند. سوخت گازوئیل و نفت در ترکمنصحرا نیز کمیاب شده. کشاورزان منطقه می توانند نبود نفت را تحمل نکنند ولی گازوئیل را نمی توانند. کشاورزان و روستائیان برای گرفتن گازوئیل برای شخم زدن زمین که فصل کشت می باشد، مسافتهای طولی را طی کرده و خود را به نزدیکترین جایگاههای گازوئیل می رسانند. سال های قبل دولت تلاش می کرد که سوخت برای شخم زمین را برساند. ولی امسال کشاورزان با کوپن بعد از ۲ روز خوابیدن در صف موفق به دریافت گازوئیل میشوند.

تراکتورها را می بینید که به جای اینکه زمین را شخم بزنند در صفهای طولی خوابیده اند.

کشاورزان بر روی تریلی های آن چادر کشیده و لحاف و تشک خود را نیز آورده اند.....

تراکتورها را می بینید که به جای اینکه زمین را شخم بزنند در صفهای طولی خوابیده اند.

کشاورزان بر روی تریلی های آن چادر کشیده و لحاف و تشک خود را نیز آورده اند.....

تراکتورها را می بینید که به جای اینکه زمین را شخم بزنند در صفهای طولی خوابیده اند.

کشاورزان بر روی تریلی های آن چادر کشیده و لحاف و تشک خود را نیز آورده اند.....

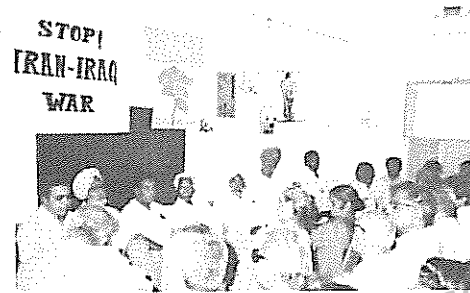
نامه احزاب بزرگ هند به اجلاس عدم تعهد جهت قطع جنگ ایران و عراق

ام. فاروقی دبیر شورای ملی حزب کمونیست هند، آقای اس. نامابودی یادی دبیر کل حزب کمونیست هند (مارکسیست)، دکتر بابوکالدات از سوی حزب جاناتا، آقای اس. پی مالویا دبیر کل حزب لوک دال، آقای بدماراتا باروا از سوی حزب کنگره سراسر هند - سوسیالیست، آقای ای. ار. پراوهان از سوی "جناح پیشرو سراسر هند"، آقای پراتول چادوری دبیر حزب سوسیالیست انقلابی، بیانیه مزبور همچنین به امضای فدائیان خلق ایران (اکثريت) - هند، سازمان حزب توده ایران - هند و جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین - هند نیز رسیده است.

در روز ۲۰ آوریل (۲۱ فروردین) اجلاس کمیته سیاسی جنبش عدم تعهد بر سر مسئله نامیبیا برگزار گردید. هفت حزب و سازمان پیشرو هندوستان ملی نامه ای به آقای راجیو گاندی ابراز داشتند که نشست جنبش عدم تعهد می باید تمام تلاش خویش را جهت پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق بکار بندد این احزاب و سازمانها خواهان توقف هر چه سریعتر حمله های هوایی به مناطق مسکونی، آتش بس در جبهه های جنگ و آغاز فوری مذاکرات جهت خاتمه دادن به جنگ شدند.

این بیانیه به امضای نمایندگان احزاب بشرح زیر رسیده است:

پشتیبانی شخصیت های مترقی هندوستان از مردم ایران



مترقی ایالت پنجاب شرکت دارند که برخی از آنان عبارتند از: دبیر و مسئول اتحادیه های کارگری، دبیر کل سازمان صلح و همبستگی ایالت پنجاب، دبیر انجمن نویسندگان پنجابی، دبیر کل فدراسیون دانشجویی استان پنجاب و.....

کمیته دفاع از انقلاب و زندانیان سیاسی ایران در شهر چندینگر در اجلاس روز ۹ مارس خود قطعنامه ای صادر نمود. این قطعنامه که در مورد جنگ ایران و عراق و وضعیت زندانیان سیاسی ایران می باشد برای سازمان ملل متحد، روزنامه ها و نیز سفارت رژیم ایران ارسال گشته است. این کمیته نامه ای نیز برای آقای راجیو گاندی رئیس جنبش عدم تعهد ارسال داشته است. در این نامه آمده است: "ما اعضای کمیته دفاع از انقلاب و زندانیان سیاسی ایران از شما می خواهیم که بعنوان رئیس جنبش عدم تعهد و رئیس جمهور هند از امکانات خود برای آزادی زندانیان سیاسی و قطع جنگ ایران و عراق استفاده کنید."

در این کمیته جمعی از معروف ترین شخصیت های

اعتراض علیه جنگ در برابر سازمان ملل

در روز ۲۲ فروردین، برای اعتراض نسبت به کشتار جوانان و مردان و زنان کشورمان در جبهه های جنگ، تظاهرات ایستاده ای در مقابل مقر سازمان ملل متحد صورت پذیرفت. در این تظاهرات که بدعوت هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در شهر نیویورک برگزار شد از سازمان ملل خواسته شد که گامهای موثرتری برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق بردارد. شرکت کنندگان در این تظاهرات پلاکاردها و شعارهایی با مضمون قطع بمباران مناطق مسکونی، پایان بخشیدن به شکنجه و کشتار در ایران و آزادی زندانیان سیاسی با خود حمل می کردند.



پشتیبانی کمونیست ها و کارگران

ایتالیایی از زندانیان سیاسی

در ایران

افشاگرهای فدائیان خلق، توده ایها و سایر نیروهای انقلابی در رابطه با جنایات انجام یافته در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی، روزبه روز موج نیرومندتر همبستگی با زندانیان سیاسی ایران را بر می انگیزد. از سوی سازمانها و تشکلهای زیر در ایتالیا بیانیه هایی در حمایت از فراخوان سازمان ما در مورد زندانیان سیاسی ایران برای ما ارسال شده است.

حزب کمونیست ایتالیا، فدراسیون جنوا
اتاق کار - جنوا (سندیکای کارگری)
شورای کارخانه ایتال سیدر - سندیکای
متحده

- شورای متحده سندیکاهای شرکت واحد کالا
- شورای کارخانه کشتی سازی جنوا
- سندیکای کارگران فلزکار جنوا
- سازمان جوانان حزب کمونیست ایتالیا -
فدراسیون جنوا

از رویدادهای ایران

خمینی:

چه کسی می گوید ما باید صلح کنیم؟

خمینی باردیتر مخالفت خود را با برقراری صلح اعلام کرد و بر ادامه جنگ پای فشرده. او که در روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت در حضور جمعی از روحانیون، واتمه جمعه سخن می گفت مدعی شد که "مردم طرفدار جنگ هستند". وی با تاکید بر روی این ادعا و اشاره به وجود مستثنی کف پوش در نماز جمعه ها به عنوان دلیل طرفداری مردم از جنگ پرسید حال دیتر "چه کسی می گوید ما باید صلح کنیم؟"

بخش اعظم سخنرانی ۱۶ اردیبهشت خمینی خطاب به روحانیون بود. او با تاکید مکرر بر روی این جمله که "روحانیت باید وحدت خود را حفظ کند" به وجود اختلافات حادث درون روحانیت تا حدی که به گفته خود او بخشی از آنها می گویند "زندگی در دوران شاه بهتر بوده است"، اعتراف کرد. وی از روحانیون خواست برای پرده پوشی اختلافات خود "هر هفته یکبار بهین هم جمع شوند و مسائلشان را بین خودشان حل کنند."

وی همچنین از روحانیون خواست مراعات ظاهر را کنند و به گونه ای رفتار نکنند که "باغها و اتومبیلهایشان" توی چشم بزنند. خمینی به روحانیون یادآور شد که "این جمهوری اسلامی است که شما را به اینجا رسانده است". و در ادامه این سخن از آنها خواست که "در ادعیه تان دعا برای بقای جمهوری اسلامی باشد"

رفسنجانی: مادر بهترین شرایط برای ادامه جنگ هستیم

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نماینده خمینی در شورای عالی دفاع و رئیس مجلس در خطبه های نماز جمعه گذشته تهران تلاشی را که برای برقراری صلح بین ایران و عراق صورت می گیرد، عیب خواند و گفت: "انها (که برای قطع جنگ تلاش می کنند) در بدترین شرایط نتوانستند ما را به سازش بکشند، در حالی که ما اکنون در بهترین شرایط ممکن بسر می بریم."

وی تاکید کرد که "وضع داخلی عراق به شدت وخیم است. عراق اشتباهی که کرد حمله به شهرهای ما بود ولی این آخرین وسیله ای بود که به کار گرفت. داخل عراق از هر نظر متزلزل است." رفسنجانی ضمن اعتراف به این نکته که "کشورهایی مثل انگلیس می خواهند جنگ ادامه یابد" بر ضرورت ادامه جنگ تا سرنگونی صدام تاکید نمود و گفت "صدام نمی تواند بر سر کار باشد و سقوطایا مجازات صدام که مطرح می شود هر دو یک نتیجه دارد و آن سرنگونی رژیم صدام خواهد بود."

گسترش جبهه ها تا سطح مدارس!

میرحسین موسوی، نخست وزیر، در روز

پنج شنبه ۱۹ اردیبهشت در حضور جمعی از آموزگاران و اعضای انجمنهای اسلامی مدارس، به تغذیه جبهه های جنگ از نوجوانان و دانش آموزان اشاره کرد و گفت "حضور نوجوانان ما در جبهه ها بیانگر حاکمیت فرهنگ اسلامی در مدارس است." وی خواستار تداوم این "حضور" شد و گفت "ما باید سعی کنیم جبهه ها تا سطح مدارس ادامه یابند." وی هم چنین خواستار تقویت مداوم "امور تربیتی" در مدارس کردید.

فرمان خمینی به جای فرمان همایونی

در قوانین و مقررات بازمانده از رژیم سرنگون شده شاه، هر جاکه نوشته است "حسب الامر فرمان همایونی"، نوشته "حسب الامر آیت الله العظمی، فرمانده کل قوا، امام خمینی."

لایحه تعویض این عنوان در رابطه با قوانین و مقررات مربوط به نیروهای مسلح در جلسه ۵ شنبه ۱۹ اردیبهشت مجلس، به تصویب نمایندگان رسید.

آمار موفقیت های قوه قضائیه

حجت الاسلام مقتدایی، عضو و سخنگوی شورای عالی قضایی در مصاحبه روز ۱۵ اردیبهشت خود با رسانه قوه قضائیه را در سال گذشته موفقیت آمیز ارزیابی کرد و در این مورد آماری ارائه داد.

وی گفت: "در سال گذشته، طبق آمارهای بررسی که از محاکم بعضی شهرستانها رسیده، موفقیتها بسیار چشمگیر بوده (به عنوان نمونه) آمار تعداد کل پرونده های موجود و رسیده به دادگاههای کیفری، صلح، عمومی و مدنی خاص شهرستان قم ۲۴ هزار و ۷۸ پرونده بوده که از این مقدار جز ۴۱۱۷ پرونده، به بقیه رسیدگی و مختومه اعلام گردیده است."

وی دیگر موفقیت های قوه قضائیه را رعایت کامل قانون قصاص و دیات دانست. بر طبق آمار که وی به عنوان کارنامه درخشان قوه قضائیه ارائه داد "در طی نه ماه در تهران شش فقره قطع دست در دیوانعالی کشور تأیید شده که پنج فقره به مرحله اجرا در آمده است همچنین در زمینه جرایم جنسی ۴۱۶ پرونده تشکیل شده که همتی مجرمین تعزیر شده اند و در یک مورد حکم اعدام صادر گردیده است. علاوه بر اینها دو فقره زنای محصنه ثابت شده که پس از تأیید در دیوانعالی کشور، حکم رجم و سنگسار شدن، صادر گردیده است. همچنین ۱۹ فقره قصاص به طریق آویختن با دار باذن اولیا دم اجرا گردیده و ۲۸ فقره حکم اعدام بعنوان قصاص در مرحله اجرا است."

پزشکان ایرانی خارج از کشور و لزوم تحمل حزب الله

اعضای جامعه پزشکان حزب جمهوری اسلامی در روز پنج شنبه پنج اردیبهشت با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی دیدار کردند. بخشی از سخنرانی رفسنجانی در حضور پزشکان عضو حزب جمهوری اسلامی به مساله پزشکان ایرانی خارج از کشور

اختصاص داشت. وی در این سخنرانی از پزشکان ایرانی خارج کشور خواست به کشور خود برگردند به شرطی که تحمل حزب الله را داشته باشند.

وی در این مورد گفت: "پزشکان ایرانی گاهی از خارج نامه مینویسند که ما دلمان می سوزد که در اینجا بچه های سرمایه دارها را معالجه کنیم و بچه های خودمان در روستاها نیاز به دکتر دارند ولی خوب ما بچه کنیم که حزب الله در ایران با ما اینطور می کند. آدم تحصیل کرده ای که این عواطف انسانی را دارد باید برای خودش تجزیه و تحلیل کند و بپذیرد این مسائل را. اگر بخواهد خدمت کند و کار کند و هیچ خم به ابرویش هم نیاید، این نمی شود. این حرفها منطقی نیست. باید جلساتی باشد و مسائل برای اینها مطرح شود. ما الان مقرهای زیادی داریم که خیلی از درها را می توانند برطرف کنند منتی توقع دارند که ما فرهنگ انقلاب اسلامی را به خاطر آنها ندیده بگیریم. این امکان ندارد. این عملی نیست و ضررش بیشتر است. آنها باید روی این مسائل مقداری کوتاه بیايند."

(جمهوری اسلامی-۷ اردیبهشت)

وحدت حوزه و پلیس

روزنامه جمهوری اسلامی ۷ اردیبهشت: "به منظور ایجاد همبستگی و وحدت هر چه بیشتر بین حوزه و دانشگاه، صبح دیروز تعداد ۲۲۴ نفر از دانشجویان دانشگاه پلیس، به اتفاق فرمانده هان خود، برای کسب اقامت ۱۲ روزه عازم شهرستان قم شدند."

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، سرهنگ جمالی فرمانده دانشگاه افسری شهر بانی جمهوری اسلامی، طی گفتگویی در رابطه با جزئیات این برنامه اظهار داشت برنامه اعزام دانشجویان به قم توسط دایره عقیدتی-سیاسی دانشگاه پلیس برای ارتقای بینش اسلامی دانشجویان و با استفاده از مقدرات حوزه علمیه قم انجام می شود.

وی با اشاره به این که دانشجویان اعزامی دومین دوره ای هستند که به قم اعزام می شوند گفت دانشجویان طی اقامت ۱۲ روزه خود در قم از نزدیک مسائل حوزه را لمس میکنند و علاوه بر انجام برنامه های کلاسیک خود مباحثی چون اخلاق پلیس مقام پلیس در اسلام، کیفیت تجسس، معاشرت با مردم، حفظ آبرو و اموال، و تبلیغ پلیس از دیدگاه اسلام، بازتاب انقلاب اسلامی در داخل و خارج از کشور و اصول فرماندهی در اسلام را نیز زیر نظر اساتید حوزه علمیه قم فرا خواهند گرفت."

تاریخ کنکور دانشگاهها

مدیر کل کزینش دانشجو در وزارت فرهنگ و آموزش عالی اعلام کرد که کنکور دانشگاهها در نیمه اول تیرماه برگزار می شود. وی تعداد متقاضیان شرکت در کنکور را حدود ۴۲۰ هزار نفر ذکر کرد.

در حالی که کنکور امسال به زودی برگزار می شود، هنوز نتایج کنکور سال گذشته به تمامی اعلام نشده است. در روز سه شنبه ۱۰ اردیبهشت اسامی ۹۴ نفر از پذیرفته گان کنکور سال گذشته اعلام شد که تاکنون در مورد آنها تحقیق صورت می گرفته است.

نحوه کنترل بر حفاظت محیط کار

تبریز-اندرسمینار بازرسان کار سراسر کشور که اخیراً با حضور وزیر کار در تهران برگزار گردید، اعلام شد که در کل ایران تنها ۱۲۰ بازرسان کار وجود دارد. شرکت کنندگان در سمینار اعتراف داشتند که با این تعداد عملاً هیچگونه کنترلی از سوی وزارت کار بر واحدهای تولیدی از نظر ایمنی و حفاظتی وجود ندارد.

درسمینار به کثرت فاجعه بار سوانح حین کار اشاره شده و از جمله گفته شد که تنها در معادن کشور سالانه ۸۰۰ سانه رخ می دهد.

اخراج کارگران اعتصابی

تبریز-چندی پیش ۲۰۰ آتش از کارگران آجری آذربایجان (حاج فیروز) دست به اعتصاب زدند. علت اعتصاب مطالبه افزایش دستمزد بوده است بدنبال این اعتصاب عده ای از کارگران به دستور کارفرما اخراج شدند.

برای بنیاد کارخانه
کشتزار کشاورزان را غصب می کنند

قوچان-یکی از کارخانه داران در صدد تاسیس یک کارخانه کاشی سازی در این شهرستان می باشد. او که از پشتیبانی همه جانبه مسئولین محلی برخوردار است، گستاخانه بخشی از کشتزارهای کشاورزان را به عنوان محل کارخانه در نظر گرفته و اقدام به تصرف آنها کرد. در برابر این تجاوز آشکار کشاورزان به مقابله برخاستند. آنها توانسته اند تاکنون از غصب اراضی خود جلوگیری نمایند اما تشبثات این کارخانه دار هم چنان ادامه دارد.

با مقاومت مردم
تهاجم ژاندارم هادرهم شکسته شد

ورامین-چندی پیش اکیپ های تخریب همراه با مأمورین ژاندارمری با بولدوزر به باقرآباد حمله کرده و قصد ویرانی منازل اهالی را داشتند. آنها می خواستند پس از تخریب این خانه ها زمین ها را به اداره اوقاف تحویل دهند. اداره اوقاف از مدتی قبل مدعی زمین هایی شده بود که چندین سال پیش مردم باقرآباد خریداری کرده و روی آن خانه ساخته بودند. پس از اینکه مردم به دعاوی این اداره واقعی ننهادند، یورش اکیپ های تخریب آغاز شد. اما مهاجمین با مقاومت یکپارچه مردم روبرو گردیدند، به گونه ای که با بجا گذاشتن بولدوزر و اتومبیلها از صحنه گریختند.

درگیری طایفه ای، توطئه رژیم

سبزوار-در پی تحریکاتی که در روستای سنت سفید صورت گرفت درگیریهای طایفه ای در این روستا بروز کرد که تاکنون چندین کشته و مجروح به بار آورد. علیرغم مراجعاتی که به سپاه و ژاندارمری گردید، آنها از هرگونه اقدامی برای تخفیف

کارگران متحد توطئه مسئولین را
خنثی کردند

تهران-در کارخانه پروفیل نیمه سبک که در جاده مخصوص واقع است، ۱۵۰۰ کارگر و کارمند کار می کنند. مدیریت این کارخانه که منفور کارگران است اخیراً تصمیم داشت که کارگران را در بخش های مختلف این موسسه تولیدی جابجا نماید. به گفته کارگران این اقدام توطئه ای برای کاستن از حقوقشان بود. از اینرو در روز ۱۲ اسفند دست به اعتراض زدند. مدیریت کارگران معترض را تهدید به اخراج کرد. با وجود این در روز ۱۵ اسفند معترضین برخوردار از پشتیبانی کارگران همه بخش های کارخانه، اعتراض را پی گرفتند. تهدیدات مجدد مسئولین کارخانه نتوانست موثر واقع شود. بالاخره در روز ۱۶ اسفند مدیر کارخانه در مذاکره با نماینده کارگران خواسته آنها را پذیرفته و طرح انتقال منتفی گردید.

با اولتیماتوم کارگران
مدیر عامل عقب نشست

تهران-در کارخانه فیات مدت ها بود که مدیریت از پرداخت حق بهره وری کارگران سرباز میزد پس از اینکه پرداخت این بخش از حقوق کارگران سه ماه به تعویق افتاد، کارگران قسماً آهنگری، لوماری، با امضا شصصد نفر تهیه و به مدیر عامل کارخانه دادند. در این طومار به مسئولین اولتیماتوم داده شد که باید ظرف سه روز (تا هشتم اسفند) حق بهره وری را پرداخت نمایند. در برابر اخطار قاطع کارگران، مدیر عامل عقب نشسته و بلافاصله به طور علی الحساب به هر کارگر پنج هزار تومان پرداخت کردید. قرار شد بقیه آن پس از تصفیه حساب در آغاز سال جاری پرداخت شود.

با آتش سوزی در کارخانه زامیاد
تولید ابزارهای جنگی متوقف شد

تهران-ساختمن برخی از پل های شناوری را که رژیم برای عملیات بدر در نظر گرفته بود، به کارخانه زامیاد محول شده بود. کارگران که مخالف جنگ هستند از این امر به شدت ناراضی بودند. در اواخر بهمن ناگهان آتش سوزی بزرگی در کارخانه برپا شد و تمامی اسفنج هایی که برای ساختن پل شناور از خارج وارد کرده بودند سوخته و نابود گردید.

در کارخانه زامیاد هر روزه شعارهای بسیاری علیه رژیم نوشته می شود. برخی از شعارها چنین است: "مردم صلح می خواهند"، "زنده باد سندیکاهای واقعی"

تحریکات و درگیری اجتناب کردند. مردم سپاه و ژاندارمری را محرک و یامشوق این درگیری می دانند.

روش خلخالی در مقابله با صلح طلبان

تهران-اخیراً در مجلس ختم یکی از فرماندهان سپاه در مسجد امام تهران، خلخالی به سخنرانی پرداخت. او در این سخنرانی ضمن تبلیغ سیاست های جنگ افروزان رژیم به مخالفت های گسترده مردم علیه جنگ اشاره کرد خلخالی هم چنین اعلام داشت که حتی گروهی از روحانیون قم نیز از طریق ارسال نامه ای رسماً با ادامه جنگ مخالفت کرده و قطع آنرا خواستار شدند. این نماینده مجلس خمینی به این دسته از روحانیون اخطار کرد که "کاری نکنید به بچه های چهارمردان بتویم خاک خانه تان را به توبه کنند"

شعار "مرگ بر جنگ"
در همه جاذنین افکن است

کاشمر-چندی پیش هنگام تشییع جنازه شش تن از کسانی که در جبهه جنگ کشته شده بودند، مردم انزجار خود را نسبت به رژیم با دادن شعارهایی علیه مسئولین محلی ابراز داشتند که از جمله آنها مرگ بر امام جمعه بود. در پی آن عده ای از مردم شرکت کننده در مراسم را دستگیر کردند. در میان دستگیرشدگان عده ای از اقوام نزدیک مقتولین نیز دیده می شود.

رژیم توانایی تامین آب آشامیدنی
مردم را ندارد

آشتیان-در روز پنجشنبه ۱۲ دی ماه بیش از دوهزار تن از اهالی شهر کوچک آشتیان در اعتراض به نبود آب دست به راهپیمایی زدند. راهپیمایان پس از طی خیابان های شهر و روبروی ساختمان فرمانداری، اجتماع کردند. در آنجا پس از طرح خواسته خود مذاکراتی با مسئولین انجام می دهند. اما چون از این مذاکرات نتیجه ای بدست نیامد، در روزهای بعد نیز چندین بار این حرکت اعتراضی به همان شکل تکرار گردید. در روز بیستم دی ماه مردم ساختمان فرمانداری را اشغال کردند. فرماندار که از خشم مردم هراسان شده بود از محل گریخت. پس از آن مردم آشتیان با انتخاب نمایندگانی مبارزه را به اشکال دیگر دنبال کردند و موفق شدند زمینه بهبودی وضع آب شهر را فراهم سازند.

کمبود نان در شهرهای کشور

سبزوار-کمبود نان در سبزوار وضعیت حادی به خود گرفته است و بدنبال آن به دستور مسئولین، نانوائی ها موظف شدند به هر نفر فقط یک عدد نان بفروشند. این وضعیت باعث بروز هرج و مرج بی مانند در مقابل نانوائی ها گردید و اعتراضات شدیدی را برانگیخت. در اثر همین اعتراضات فرمانداری مجبور شد برای تامین آرد مورد نیاز این اقداماتی صورت دهد.

گزارشی از آهوران

سرزمین رنج‌های بی‌مانند و دلاوری‌های سترگ

ملوک النواپی و تمامی نمودهای ظلم و ستم، نمونه جاویدان مبارزات زحمتکشان آهورانی است. امروزه نیز مردم بلوچ در تجلیل از این مبارزه، در مجالس و شب نشینی‌های خود اقدامات انقلابی پیری درویش را بازگویی کنند و از یاد آن نیرومی گیرند. خاطره قهرمانانی همچون پیری، پیر داد صلاح، زهی، سهیم، اشرف، نصرت، شاهی، سهراب و نواب و اشرف را نه فقط آهورانی‌ها که هیچ بلوچی مرکز فراموش نخواهد کرد.

وصف خاطره قهرمانان، ابراز انزجار نسبت به ستم بی‌حدی است که سردارها و دولتها بر زحمتکشان اعمال میکردند. در آهوران خوانین، زحمتکشان فقیر را وادار می‌ساختند سالیانه یک بز شیرده، مقداری روغن و شیر و کشک، گوسفندی کبابی، نقدینه‌ای برای عروسی فرزند خان، حصیر، چارو و لباسی دست دوزی شده بنام شال (که بسیار گران قیمت بود) بپردازند. علاوه بر این مجبور بودند فرزند یا برادر جوانشان را جهت شرکت در میدان جنگهای بلهوسانه و رقابت آمیز خان اعزام نمایند. اخذ این مالیاتهای کمر شکن، هیچگاه حتی در سالهایی که قحطی‌های مکرر رخ میداد قطع نمی‌گردید.

خوانین فرزندان زحمتکشان آهورانی را از داخل شدن در مکاتب روستائی قدیم منع می‌کردند. در زمان شاه آمریکائی نیز به خواست خوانین تاسیس مدرسه و ورود معلم به آهوران ممنوع بود. حیرت انگیز است اگر دانسته شود که آهوران تنها در و سال مانده به انقلاب دارای یکی دو تا مدرسه شده بود. هنوز هم این مردم زحمتکش برای خواندن نامه‌های فرزندان کارگزاران که در امیر نشین‌های خلیج کار می‌کنند، ناگزیرند با ترک کله‌هایشان در جستجوی فردی با سواد تا نقاط دور مسافرت نمایند.

هم اکنون در بین همه ساکنین سرتاسر آهوران دو نفر دانشگاه دیده که هیچ، حتی دو نفر دیپلمه و یاپیک فراش اداری وجود ندارد.

فجایع و مقام خوانین و تحریکات نفاق افکنانه بستگان دولت مرکزی بیشمار است. از جمله آنها، دامن زدن بر سنت انتقامجویی است که نتیجه آن قتل‌هایی است که بدون استئنا هر روز می‌دهد. از جمله پیامدهای این سنت درد انگیز در حال حاضر آوارگی نزدیک به سیصد نفر زحمتکش آهورانی است که به خاطر قتل پسرعمو، برادر و یادائی خویش در حاشیه مرز پاکستان سرگردانند. آنها در چنین وضعیتی بخاطر بقا ناگزیر به خدمت در اردوی خانها می‌شوند.

زحمتکش آهورانی انقلاب را فرصتی یافت تا دور از همه پلیدیهای سردارها، از ستم مضاعف، تحقیر ملی، گرسنگی و عذاب دائمی، بیسواد و بینوائی‌هایی بیابد.

پیشروان خلق بلوچ از این دستاورد گرانقدر رزم مردم میهن بهره گرفته و کوشیدند در پیوند با آرمانهای والای مردم سراسر ایران، رهائی از ستم

بلوچستان را پیش از رضا شاه به خاندان میر ماثباز گردانند.

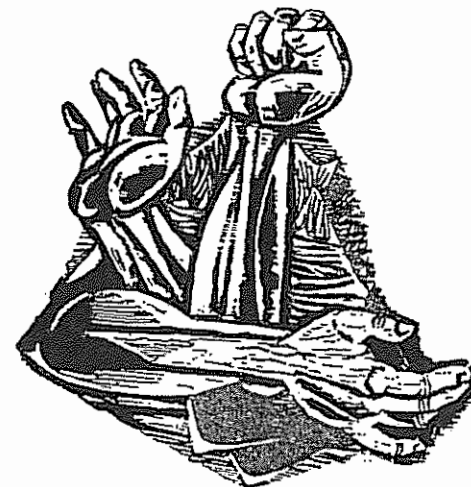
در پیکار طولانی میان سردارهای قصرقند و چاه بهار و دشتیاری از سوئی با سردار جامپ و آهوران از سوی دیگر وقتی که جنگجویان آهورانی از آن همه توطئه‌های غلامانه خوانین به تنگ آمده و از جنگ بیپوده سر بر تافتند و در مقابل با همگی آنان قصرقند را به آتش کشیدند، دیگر نصیب سردارها جز شکست چیزی نبود.

در زمان رضا شاه، عیسی خان مبارکی با بهره گیری از منطقه استراتژیکی آهوران و بایبهره گیری از شجاعت و جنگجویی عشایر آهورانی بود که توانست سالها در برابر سرهنگهای رضاخانی ایستادگی نماید. اگر چه او سرانجام در ازادریافت کرسی و کالت مجلس حلقه بندی رضاخان را بر گردن افکند. این البته تنها خیانت خوانین به مردم بلوچ نبود.

هنگامیکه سرهنگ نخجوان از جانب رضاشاه مامور فتح بلوچستان گردید عشایر آهوران را زیر شعار آزادی زحمتکشان از یوغ ستم خوانین گرد آورد. پس از اینکه قلعه جامپ (مرکز آهوران) به رهبری راد مردانی هم چون نصرت و اشرف از جنگ خوانین بدر آورده شد، سرهنگ رضاخانی با خوانین منکوب شده سازش کرد و با خلق سلاح زحمتکشان، آنان را بی پناه در برابر انتقام جویی حیوانی خوانین رها کرد. آنگاه خانهای مار شده بسان چنگیزیان به جان این مردم خیانت دیده افتاده و زبان و بینی و گوش رهبران آهورانی را بریده و گروهی را بر دار خلق آویز کردند.

رویداد فراموش نشدنی و فاجعه بار تسخیر آهوران توسط ژاندارمهای محمد رضا شاه و لشکریان محلی میرمولا دادغدارو سعیدی خائن هیچگاه از خارخه خلق بلوچ زنده نخواهد شد.

اما تاریخ منطقه گواه است که به رغم این همه خیانت خوانین و خیانت دولتهای مرکزی زحمتکشان آهوران با بهره گیری از هر فرصتی که فراهم می‌شد درفش مبارزه را بر می‌افراشتند. قیام پیری درویش بر علیه اندام سرتاسری



منطقه کوهستانی آهوران در شرق بلوچستان در امتداد مرز پاکستان میان بخش‌های سرباز، لشار، قصرقند و پیشین واقع شده است. مردم آهوران به طور عموم دامداری کوچ نشین هستند. آنها با داشتن اقتصاد بک پایه‌ای و بخاطر مواجهه بودن با بلاهای طبیعی، قحطی‌های بی‌دری، خشکالی‌های طولانی، بیماری‌های واکیر فصلی و غیر فصلی، دمی و انسانی و بر پایه مظالم دائمی نظامهای خان خانی و ملوک النواپی و پرداخت مالیات‌های کمر شکن و باجگیری‌ها و بویژه اینکه مدام توشه دم تیر و شمشیر جنگ‌های بلهوسانه خوانین بوده‌اند، از ستم‌دیده‌ترین انسان‌های زحمتکش خلق بلوچ بوده و هستند. بر این همه اگر ستم بی‌حد دولتهای مرکزی و انکار مطلق حقوق ملی آنان افزوده شود، ابعاد رنجی که بلوچهای آهوران برده‌اند را می‌توان دریافت.

از رزم زحمتکش آهورانی در مقابل با این همه دشواری حماسه‌های بسیاری پدید آمده است. جلوه‌ای از آن را هنوز هم می‌توان بر فراز صخره‌های بلند دره رودخانه "دیواری" مشاهده کرد. زحمتکش بلوچ برای مهار طبیعت و در جستجوی راه برون رفت از بن بست اقتصادی روزهای متوالی در حالیکه با ریسمانی که بر کمر بسته بود از صخره‌ها آویزان شده بود، با ایزاری ابتدائی در دل سنگهای ارتفاع کوه جوی آبی می‌کند تا آب رودخانه را مجبور به فرود آمدن در تنگه زمینی دور دست نماید. این همه رنج به این خاطر بود که تنها چند بوته نخل سبز شود و با چند کیلو بدر پاشیده شود.

فرهنگ عمومی زحمتکشان این منطقه، بخشی از همان فرهنگ عشایر میهن‌مان است که با خصوصیت‌های منطقه‌ای و قومی تنیده شده است.

تفنگ در حکم فرزند هر خانواده آهورانی است شجاعت و جنگجویی گاه تا حد پیرحمی مفرط نمود می‌یابد. از سرگرمی‌های متداول، قرائت اشعار رزمی و کلاسیک است. عاطفه غلیظ و مهمان‌نوازی خارج از قواعد معمولی بخشی از فرهنگ آنجاست. آهوران در پس کوههای بلند و راههای صعب العبور پنهان شده است. از همینرو مردم آن با مراکز شهری و بیاروستائی کمترین روابط را داشته‌اند. در نتیجه اکثریت قریب به اتفاق‌شان حتی از دانش‌ها و بینش‌ها، ابتدائی فرهنگ فئودالی نیز دور مانده‌اند. تا پنجاه سال پیش این مردم حتی فرق فرشته و شیطان را نیز نشنیده بودند چه رسد به چگونگی فرایض مذهبی و آداب اجتماعی.

اما همین مردم در تحولات سیاسی بلوچستان در دوره‌های گوناگون تاثیر بزرگی داشتند. همه آنانی که بر منطقه پر برکت بخش بمپور و دیگر مناطق این خطه حکومت کرده‌اند، چه سردار حسین خان و سردار سعید خان شیرافی، ملک شاه عالم، سهیم خان لشاری، بهرام خان و دوست محمد خان بارکزی و چه حکومت پهلوی می‌دانستند که تسلط‌شان بر بلوچستان پس از رام کردن آهوران و با کمک لشکر آهورانی ممکن خواهد شد.

با حمایت میر اولیا سردار آهورانی بود که میرمئاد سردار منطقه دشتیاری و چاه بهار حاکمیت بر

جمهوری اسلامی در جنگل سمینارها و کنگره‌ها



گردهمایی‌ها به جنگ اختصاص دارند. مثلا در قطعنامه پایانی سمینار ۲ روزه مدیران کل و مسئولین روابط عمومی وزارتخانه آمده است: "ما ضمن تجدید بیعت با ولی فقیه و امام بزرگوارمان اعلام می‌داریم که جنگ همچنان در راس امور است و حضور در جبهه‌ها واجب کفایی و کمک در پشت جبهه‌ها یکی از اصلی‌ترین وظایفی می‌باشد." (کیهان ۹- اسفند ۶۲) در قطعنامه سمینار ۲ روزه خواران فرهنگی وزارت آموزش و پرورش گفته شده است: "به پیروی از امامت امت که مساله جنگ را در راس همه امور دانسته و در تداوم آن تار و پود فتنه تاکید فرموده‌اند ما نیز ضمن اولویت امر جنگ بر همه مسائل، ایثار رزمندگان شجاع اسلام را ارج نهاده..." (کیهان ۹ بهمن ۶۲). در بند اول قطعنامه سمینار هیاتهای فوتبال کشور نیز چنین می‌خوانیم: "مساله جنگ در راس تمام امور قرار دارد و از همه ورزشکاران و مسئولین ورزش، صمیمانه می‌خواهیم این امر مهم را کماکان سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهند." (کیهان ۱۲- اسفند ۶۲)

وقتی که در یک سمینار ورزشی این گونه از

همزمان با هجوم اخیر اوباشان چماق بدست رژیم به زنان کشورمان به بهانه "مبارزه با بی‌حجابی و بدحجابی" سمیناری در تهران برگزار شد با عنوان "چگونه بودن زن مسلمان"! هدف این سمینار توجیه شرعی چماق‌کشی علیه زنان بود.

در جمهوری اسلامی از این گونه سمینارها زیاد برگزار می‌شود. تنها در سه ماهه آخر سال ۶۲ روزنامه‌های دولتی از برگزاری بیش از ۸۰ سمینار و ۳۰ گردهمایی و تعدادی کنفرانس و کنگره خبر داده‌اند. این جدا از سمینارها و گردهمایی‌های مخفیانه ارگانهای امنیتی است که پی‌درپی برای هماهنگی نهادهای مختلف سرکوب در امر پیگرد نیروهای انقلابی برگزار می‌شوند.

اکثر سمینارها و کنگره‌ها و گردهمایی‌هایی که از سوی وزارتخانه‌ها و نهادهای مختلف ترتیب داده می‌شوند، در خدمت تداوم جنگند؛ حتی سمینارهای تخصصی و فنی و فرهنگی نیز دستور کارشان مستقیم و یا غیر مستقیم به جنگ مربوط می‌شود.

بند های اولیه قطعنامه‌های همه سمینارها و

جنگ سخن رود، تکلیف بقیه سمینارها و گردهمایی‌ها خود بخود روشن می‌شود. تنها باید از جنگ سخن گفت و در مورد ضرورت تداوم جنگ قطعنامه صادر کرد و در جایی نیز که گردهمایی بر اساس نیازهای عینی تشکیل شده است، با چماق جنگ، به میدان آمد. بیپوده نیست که مثلا در سمینار مدیران عامل بهداری هم از جنگ و از ضرورت بسیج دکتر و پرستار و امکانات درمانی برای جبهه‌ها سخن می‌رود و مناطق نوری در سمینار شهرهای بزرگ در برابر مشکلات انبوه این گونه شهرها تنها به این پاسخ می‌شود که "الان جنگ است و جنگ برای ما اصل است و به هیچ قیمتی از جنگ نمی‌زنیم." (کیهان ۲۸- بهمن) در میان سمینارهایی که مستقیما برای پیشبرد در سیاست تداوم جنگ در عرصه‌های مختلف برگزار می‌شود سمینارهای علنی مربوط به ارگانهای نظامی رقم چشمگیری را دارند. دستور کار این سمینارها عمدتا بسیج نیرو و برای تغذیه غریت جنگ است. دردی ماه سال گذشته فرماندهان سپاه برای چاره جویی در برابر رشد فزاینده گریز و استعفا از سپاه مجبور شدند سمینار جذب مشمولین به سپاه پاسداران را برگزار کنند. سمینار سراسری فرماندهان پایتگاههای بسیج و سپاه پاسداران، سمینار اعضای واحد بسیج منطقه مرکزی و سمینار فرماندهان نواحی مقاومت بسیج اصفهان و نظایر اینها نیز با هدفای مشابهی تشکیل گردیده‌اند.

در جمهوری اسلامی مراز گاهی کنگره‌ها و کنفرانس‌هایی نیز با شرکت مهمانان خارجی برگزار می‌شود. آخرین نمونه این گردهمایی‌ها "بررسی تئوریک سیاست نه شرقی و نه غربی" نام دارد. سران رژیم می‌خواهند با کرد آوردن مشت، مرتجع و کلاش و جاسوس با عنوان اندیشمند و صرف مقادیر کلانی پول بابت بلیطهای دوسره هواپیما و هتلهای درجه یک، اندیشه‌های واپس گرایانه خود را تبلیغ نمایند.

همچنانکه گفتیم تعداد سمینارها و کنفرانس‌ها و کنگره‌ها در جمهوری اسلامی رقم درشتی را تشکیل می‌دهند. رژیم در میان جنگل سمینارها و کنگره‌های مختلف در جستجوی چیست؟ این همه گردهمایی تنها از بحران حکایت می‌کنند. بحران رژیم را به تلاش برای چاره جویی و امی دارد ولی همه چاره‌ها به بیچارگی راه می‌برند. قطعنامه‌ها از پیش آماده‌اند؛ دعا به جان امام امت، شعار در دفاع از ولایت فقیه، دعا برای پیروزی رزمندگان اسلام و مطابق معمول جنگ، جنگ، تاپیروزی!

تاریکی، بکر مانده است. اما آنان آرزوی دیرین خود را برای رهائی و بهروزی و ان نهاده‌اند. در تاریخ خیانت‌های بسیاری به آنان شده است، اما عزمشان در هم شکسته نشد. خیانت خینی نیز جبران خواهد شد. مردم زجر دیده آهوران، عشایر منطقه پیری وار، باعزم و اراده نصرت و اشرف و دیگر جان بر کفان عشایر تاریخ آهوران بار دیگر در اتحاد با رزم زحمتکشان دیگر خلق‌های میهن، امواج قهر خویش را جاری خواهند ساخت و پرچم پیروزی پایدار را بر بلندبهای کوهساران آهوران و بلوچستان برافراشته خواهند کرد.

دور ابرقارون به اوستاتنگ
تخت ابرمنوکین سلیمان
(روزگار برقارون ماندگار نشد
تخت سلیمان هم پر فخر نماند)

چگونه با خیانت به بلوچها دست در دست سردارهایی نهاده است که امروزه ریش گذاشته و تسبیح بدست گرفته‌اند. فرزندان عیسی خان مبارکی، چنگیز تاریخ منطقه آهوران، دوصدر امور دولتی گماشته شده‌اند. حاج نقدی خان مبارکی با داشتن عنوان مشترک خان و حاجی، مسئول پیشبرد طرح عشایری در منطقه و مشاور ویژه سپاه پاسداران شده است. عبدالله خان مبارکی رابط میان دولت با خوانین فراری مستقر در پاکستان است تا بازگشت آنها را زمینه سازی کند. اکنون بسیاری از سرکردگان ضد انقلابی بلوای سال‌های گذشته در پست‌های ریاست ادارات در شهرستانهای بلوچستان مشغول کار شده‌اند.

مردم آهوران با تلخی این حقایق را می‌بینند و می‌بینند که آهوران همچنان در فقر و ویرانی و

خوانین و ستم ملی را جستجو کنند. انقلاب بهمن در همان آغاز سردارها و ابادیشان را از شهرها رانده بود. آنان در روستاهای دور دست پناه گرفتند، بویژه آهوران را میدان تاخت و تاز خویش ساختند. اما جوانان انقلابی با کار افشاگرانه در میان زحمتکشان آهورانی، عرصه را بر خوانین تنگ کردند. تا جائیکه همان زحمتکشان به مقابله با خوانین برخاستند که حرکت مردم مستنک و پیکج نمونه ای از آن بود.

اما چندان نگذشته بود که مردم آهوران و عشایر زحمتکش این منطقه خبر همراهی و یکتاکنی رژیم جمهوری اسلامی را با خوانین و خان زادگان شنیدند. یکبار دیگر خاطره تلخ دوران رضاشاه تداعی شد که چگونه سرهنگ محمد خان نخجوان به وعده‌های خود خیانت کرده بود. مردم آهوران شاهدند که رژیم

سه‌وزیر

و

سه سؤال

بقیه از صفحه اول

آلمانی لیبر قرارداد بسته شده و علت خرید جعبه پلاستیکی و فرغان از اتریش برای شرکت واگن پارس چه بوده است گفت لیبر در جهان همتان دارد و در حالی که همه واگن پارس وابسته است دیگر چند قلم خرید از خارج، چیزی بر وابستگی آن نمی افزاید. در زیر به این سئوالها و جوابها نظر می افکنیم. با این توضیح که پاسخهای سه وزیر کابینه "خدمتگزار" جلوه ای هستند از سیاستهای ضد مردمی و مملکت پر بادده جمهوری اسلامی. ما این پاسخها را عیناً از روزنامه کیهان ۱۴ اردیبهشت نقل می کنیم و آنها را بی نیاز از تفسیر می دانیم.

* سؤال از وزیر نفت

غرضی وزیر نفت در پاسخ به سؤال یک نماینده در مورد علت کمبود سوخت زمستانی مردم در سال گذشته چنین پاسخ می دهد:

"مجلس محترم شورای اسلامی مستحضر هستند که با از کار افتادن پالایشگاه ۶۰۰ هزار بشکه ای آبادان یعنی ۶۰ درصد ظرفیت تصفیه کشور، طبیعی بود که پالایشگاههای داخلی کشور جوابگوی سوخت کشور نیستند (نباشند). در سال ۵۹ ظرفیت تصفیه کشور یک میلیون بشکه در روز بود و بعد از حمله عراقی ها ۶۰۰ هزار بشکه ظرفیت از مدار تصفیه خارج می شود. آنچه که باقی مانده حدود ۵۰۰ هزار بشکه ظرفیت تصفیه ای بود که پالایشگاههای لاوان، شیراز، اصفهان، تهران و باختران کار می کردند... ما امروز با توکل به خدا روزی ۷۶۰ هزار بشکه از این پالایشگاهها، تصفیه می گیریم.

در سال ۶۲ مجلس قانونی را گذراند که دولت مولف است ۱۸۰ میلیارد ریال در اختیار وزارت نفت بگذارد و وزارت نفت از این بابت فرآورده های نفتی را خریداری و در داخل کشور، توزیع نماید.

همچنین در سال ۶۲ مجلس وزارت نفت را مولف کرده که حدود ۲۰ میلیارد دلار بول از طریق فروش نفت خام به خزانه کشور بریزد. ۲۰ میلیارد دلار از این ۲۰ میلیارد دلار مجلس مولف کرده که بانک مرکزی در اختیار شرکت ملی نفت قرار بدهد برای خرید فرآورده ها. از همان ابتدای سال ۶۲ روابط بین شرکت ملی نفت ایران و بانک مرکزی را ببینید به چه صورتی است.

ما نامه می نویسیم که این مقدار دلار لازم داریم برای این که فرآورده های نفتی را وارد کنیم. در تاریخ ۲/۲۴ بانک مرکزی به وزارت نفت سندی را ارائه داشته است مبنی بر این که عطف به تصمیمات متخذه در جلسه مورخه ۶۳/۲/۲۱ کمیته تخصیص ارز، خواهشمند است دستور فرمائید خرید فرآورده های نفتی تا سه ماه آینده به تعویق افتد.

اگر بخواهید برنامه ریزی در کشور وجود داشته

* سؤال از وزیر صنایع سنگین

سؤالی که بهزاد نبوی در جلسه ۱۲ اردیبهشت مجلس بدان پاسخ گفت، در زیر عیناً نقل می شود:

"سؤال شامل سه قسمت است. یک قسمت این که چرا برای ساخت بولدورز با شرکت (آلمانی) لیبر قرارداد بستید... در حالی که بولدورز را لیبر بیش از ۵ سال نیست که می سازد. یعنی این محصول در بین خودشان هم اشکالاتی دارد و هنوز رفع نشده است و ما این مملکت را کرده ایم بازار و نمایشگاه برای اجناس خارجی و هر نوع جنسی را وارد کشور می کنیم.

سؤال دوم این است که شارفتید ۲/۷ میلیون مارک قرارداد خرید اشیایی را که با کمپانی ویتبورک اتریش بستید که ۴۰ درصد این اشیاء را می توانستید در ایران تهیه کنید. از جمله ظرف پلاستیکی جای ابزار که شما در هر میخ فروشی پلاستیکی خریدند. پالت چوبی زیر پتچال که ۲ هزار عدد ساخته شده وارد کردیم. پالت آهنین به همین ترتیب. فرغان چهارچرخ ۲۰ عدد خریداری شده است.

من سؤالم این است جناب وزیر صنایع سنگین که مسئولیت دارند مملکت ما را از نظر خودکفایی و تولیدات صنعتی به خودکفایی برسانند، آیا باید فرغان وارد کنند یا اینها جزو صنایع سنگین محسوب می شود. یا این که کمک که در آن پرونده می گذارند. ماسک جوشکاری و صندلی گردان، یا خراطش و گونیا و پرگار و گیره وارد کردید که ارزش اینها حدود یک میلیون و خورده ای مارک است. سؤال من این است که چرا این اشیاء را از ایران تهیه نکردید.

سؤال سوم من این است فردی که این خریدها را گزارش کرده، چون مسئول بوده است او را اخراج کردید. البته وزارت کار به این امر رسیدگی کرده و حق را به ایشان داده است."

وزیر صنایع سنگین به سوالات فوق، این گونه پاسخ می دهد:

"سؤال اول در مورد انتخاب شریک خارجی برای ساخت ماشین های راه سازی است. این پروژه از بدو تشکیل وزارت صنایع سنگین مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. دوسال در مورد این پروژه مطالعه شد و ۱۴ سال در مورد دنیا پیشنهادات و مشخصات مورد بررسی قرار گرفت... این شرکتی که انتخاب شده در تمام زمینه ها اول است از نظر کیفیت یادوم.

سؤال دوم در مورد مساله واگن پارس است که توضیح می دهم. واگن پارس یک طرحی است با سرمایه گذاری ۱/۲ میلیارد تومان. در این طرح ۴۰۰ میلیون تومان فقط سرمایه گذاری ارزی شده و از این ۴۰۰ میلیون تومان سرمایه گذاری ارزی سؤال کننده محترم ۵۲۱ هزار مارک یعنی ۲ میلیون تومان در مقابل ۴۰۰ میلیون تومان که خرید خارجی است، آنرا به میان کشیده و مدعی است که این اشیاء در داخل ساخته می شود. چرا این خریدها از خارج صورت گرفته است. این که سؤال کننده محترم مطرح کردند کل معامله ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار مارک است در چهارچوب یک مناقصه بین المللی قراردادی برای بقیه در صفحه ۱.

باشد، هر دستگامی باید اول سیاست گذاری داشته باشد و این سیاست گذاری باید متکی به قانون باشد. ما هم متوجه این مطلب بودیم. ما آمدیم در مجلس قانون گرفتیم برای این که بتوانیم فرآورده های نفتی وارد کنیم. و قانون می گوید ۲ میلیارد دلار. کمیته تخصیص ارز نمی تواند در مقابل قانون نامه بنویسد که این خرید به تعویق بیفتد.

تا تاریخ ۶۳/۱۰/۱۰ هشتاد و چهار میلیارد ریال یعنی ۸/۴ میلیارد تومان تخصیص داده می شود که کمتر از نصف است و از جمع ۲ میلیارد دلاری که باید تخصیص داده شود حدود یک میلیارد دلار برای خرید فرآورده های نفتی تخصیص داده می شود. سازمان برنامه معتقد است که ما ۱۵ درصد و تلفیه مان را انجام ندادیم ولی ما معتقدیم که ۸ درصد و تلفیه مان را انجام ندادیم. اگر رعایت عدالت می شد باید فقط ۸ درصد از ۲ میلیارد دلار کمتر به ما تخصیص داده می شد و نه این که یکمرتبه نصف بشود."

آقای وزیر نفت به این ترتیب این بار علت کمبود نفت در سال گذشته را صراحتاً بی پولی و اختلافات فلج کننده میان سردمداران رژیم عنوان می کند. ولی لازم به ذکر است که همین جناب در ۱۲ دی ماه پارسال علت کمبود نفت را سرمای زود رس زمستانی و "حرص مردم" برای خرید نفت و گازوئیل اعلام کرده بود. (رجوع شود به کیهان ۱۲ دی ۶۲ و "اکثريت" شماره ۴۱-اول بهمن ۶۲)

* سؤال از وزیر بازرگانی

جعفری وزیر بازرگانی به سؤالی در رابطه با علت عدم صدور حواله برای تعاونی های سراسر کشور از سوی واحد توسعه منسوجات و به عبارت دیگر سپردن تمام و کامل توزیع پارچه به دست تجار و بنگداران بزرگ چنین پاسخ می دهد:

"با مجموعه مطالعاتی که در زمینه وضعیت پارچه شد و رسیدگی هایی که به میزان تولید داخلی و حجم کل واردات انجام گرفت، به این جمع بندی رسیدیم که دیگر لزومی ندارد که ما آن سیستم بسته عقید را در توزیع پارچه دنبال کنیم. نتیجه بررسی های ما باینجا رسید که این سیستم توزیع را الزامی نداریم که ادامه بدهیم و اگر برویم به طرف هدفی که بتواند عرضه و تقاضای یکدیگر را خنثی بکند، احتیاجی به این نیست که این وضع را ادامه بدهیم. بنا بر این، این تغییر سیستم توزیع روحیه تولید کنندگان و فروشندگان ما را بخصوص در زمینه پارچه باید تغییر اساسی می داد. بعضی جاها که من خودم مراجعه کردم و از نزدیک با فروشندگان و کار پیدا کردم و سؤال کردم که حاصل مطلب چه شده است یک فروشنده ای به من گفت که قبلاً وضعیت این جور بود که مشتری مراجعه می کرد و دنبال کار می دود، حالا ما باید دنبال مشتری بدویم (۱).

این امر باعث شد که پارچه از پستوها و داخل خانه به جانب فروشگاهها سرازیر بشود. (۱)

این سیاست یک سیاست موفق بود و جایگاه خودش را در توزیع باز کرد و نشان داد که در آن زمینه خاص، بخصوص در مورد پارچه ما مشکلی نداریم. (۱)

درباره تاریخچه جنبش جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان

بزرگی بر افر وختند.

در ژوئیه و اوت ۱۹۵۷، ۲۴۰۰۰ جوان از ۱۳۱ کشور میهمان ششمین جشنواره جهانی مسکو بودند.

میهمانان جوان از نزدیک با میهمانان نوازی گرم اهالی مسکو که بسیاری از آنان سالیهای دشوار جنگ و بیوزنه سایه شوم آن بر پایتخت کشور شوراهای را به چشم خود دیده، مرک، نکیت، گرسنگی و بدبختی را تجربه کرده بودند، آشنا شدند. زحمتکشان و جوانان میزبان جشنواره از جنگ کبیر میهنی که به قیمت از دست رفتن جان بیش از بیست میلیون شهروند اتحاد شوروی به سرکوب فاشیسم هیتلری انجامید داستانهایی برای جوانان میهمان بازگفتند. در مسکو نیز روح تفاهم بر جریان جشنواره حاکم بود و شرکت کنندگان در جلسات مناظره و بحث بر سر لزوم مبارزه برای حفظ صلح بین المللی دارای اتفاق نظر کامل بودند.

"زنده باد صلح و دوستی!" - این شعار بر پرچم هفتمین جشنواره جهانی جوانان که با شرکت ۱۷۰۰۰ نماینده از ۱۱۲ کشور جهان در وین برگزار شد، نقش بسته بود. ۱۷۰۰۰ زن و مرد جوان روز اول اوت ۱۹۵۹ در میدان مالدن وین گرد هم آمدند و به شکوای کاتوزو کاراشیما که هنگام بمباران اتمی میروشیما توسط ایالات متحده در سده سالگی ساکن آن

● دو از دهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در ماه اوت در مسکو برگزار می شود ما به این مناسبت تاکنون طی مقالاتی چند جوانی از جنبش جشنواره های جهانی را تشریح کرده ایم. برای آشنایی با تاریخچه این جشنواره ها، به تقاضای ماریف اوریش زاندر عضو تحریریه نشریه آلمانی عصر ما (UZ) مقاله زیر را تهیه و در اختیار ما گذاشت. ماضن تشکر، توجه خوانندگان را به آن جنب می کنیم.

آلمانی که پس از بازگشت از مهاجرت، زندگی در شرق آلمان، در جمهوری دموکراتیک آلمان را برگزیده بود، اولین اجرای جدیدترین قطعه ناتر خود به نام گزارش هرنبورگ را به جشنواره برلین تقدیم کرد.

نمایندگان جوانان همه کشورها بر ضرورت مبارزه علیه مسابقه تسلیحاتی و برای تحکیم صلح و دوستی، تفاهم و همکاری بین خلقها دارای نظریاتیکانه ای بودند.

چند روز پیش از شروع چهارمین جشنواره جهانی، در ژوئیه ۱۹۵۴ ایالات متحده و کره جنوبی قرارداد آتش بس با کره شمالی را با مضارساندند. ۳۰۰۰ شرکت کننده از ۱۱۱ کشور این پیروزی سرگ جنبش بین المللی صلح را که جوانان در آن

جشنواره های جوانان و دانشجویان از زمره قدیمیترین اشکال جنبش بین المللی صلح به شمار میروند.

برگزاری گرد هم آبی بین المللی جوانان نخستین بار در زمان جنگ دوم جهانی توسط برخی نیروهای ائتلاف ضد هیتلری مطرح شد و مورد تبادل نظر قرار گرفته بود. شرکت کنندگان کنفرانس بین المللی جوانان که به تاریخ دهم نوامبر ۱۹۴۵ در لندن تشکیل شد و به تاسیس فدراسیون جهانی جوانان دمکرات انجامید شکل "جشنواره را برای این گرد هم آبی بین المللی جوانان برگزیدند.

نزدیک به دو سال پس از تاسیس فدراسیون جهانی جوانان دمکرات، در ژوئیه ۱۹۴۷، بیش از ۱۷۰۰۰ زن و مرد جوان از ۷۲ کشور، که هنوز خاطره دهشتناک جنگ در ذهن آنان زنده بود، در پراگ گرد هم آمدند و نخستین جشنواره جهانی جوانان را بر گزار نمودند. شرکت کنندگان در جشنواره پراگ در ده لیدیه که اهالی آن روز دهم ژوئن ۱۹۴۲ توسط اشغالگران فاشیست قتل عام شده بودند ضمن یک تظاهرات رزمی پیمان بستند با تمام قوا برای حفظ صلح جهانی مبارزه کنند.

دومین جشنواره جهانی در سال ۱۹۴۹ در شیر بوداپست پایتخت مجارستان برگزار شد. که ۱۰۴۰۰ میهمان از ۸۱ کشور در آن شرکت داشتند. جشنواره بوداپست نیز نمایش قدرت و اراده جوانان برای حفظ صلح در برابر توطئه های جنگ طلبانه امپریالیسم جهانی به ویژه امپریالیسم امریکا که اولین گامها را در جهت شروع مسابقه شوم تسلیحاتی - هسته ای بر میداشت، بود.

سومین جشنواره جهانی جوانان با شرکت ۲۶۰۰۰ میهمان در اوت (۱۹۵۱) در برلین، پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان برگزار گردید. در این هنگام تقسیم آلمان به تحریک محافل امپریالیستی و حاکمان بر آلمان فدرال صورت گرفته بود. در این شرایط نیروهای صلح دوست از ۱۰۴ کشور بسیاری از شخصیت های مشهور سیاسی و فرهنگی جهان پشتیبانی خود را از اهداف و آرمان های صلح دوستانه جشنواره برلین اعلام داشتند. فیزیکدان نامدار فرانسوی ژولیهو-کوری ریاست افتخاری جشنواره را بر عهده داشت از جمله دیگر میهمانان برجسته سومین جشنواره بالرین مشهور شوروی، مایاپلیستسکایا شاعر شیلیایی پابلونرودا رفیق ارجمند ناظم حکمت و ریوموند دین مبارز جنبش صلح از فرانسه بودند.

ریوموند دین مدتی پیش از برگزاری جشنواره برلین روی ریل قطار حامل تجهیزات نظامی ارتش فرانسه برای جنگ در هندو چین دراز کشیده و با این عمل متهورانه از ارسال محمولات جنگی جلوگیری کرده بود. وی بزودی به یک شخصیت معروف، به یک اسطوره در جنبش بین المللی صلح تبدیل گشت. برتولت برشت نویسنده، شاعر و کارگردان به نام



جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان، وروش-۱۹۵۵

شهر بود، گوش فرادادند: "زخمهای غیر قابل التیامی بر بدن من به جا مانده اند. یکی از دوستانم که مایل به شرکت در جشنواره وین بود چند ساعت پیش از حرکت به علت بیماری که اکنون چهارده سال پس از فاجعه اتمی میروشیما هنوز او را زجر میدهد، روانه بیمارستان شد. مجروحین جنگی بر اثر پیامدهای تشعشعات رادیواکتیو پس از بمباران هنوز که هنوز است جان خود را از دست میدهند... اکنون ما در این جا جمع شده ایم تا به جهانیان هشدار دهیم: به پا خیزید! خطر فاجعه فراگیر هسته ای را دریابید و علیه آن مبارزه کنید!"

همزمان با تدارک بین المللی جشنواره جهانی، سازمانها و گروههای ضد کمونیست حرفه ای آمریکایی و اروپایی دست به تبلیغات گسترده ای بقیه در صفحه ۱۰

سهم عمده ای داشتند، جشن گسرفنند شرکت کنندگان در چهارمین جشنواره جهانی - بخارست پایتخت رومانی خواستار بکارگیری شیوه های مسالمت آمیز برای حل اختلافات سیاسی جهانی و تضمین حق سرنوشت برای همگی خلقها و همکاری بین المللی برای رسیدن به آینده ای روشن برای نسل جوان گردیدند. پنجمین جشنواره جهانی جوانان با شرکت ۳۰۰۰۰ مرد و زن جوان از ۱۱۴ کشور جهان در ژوئیه ۱۹۵۵ در وروش پایتخت لهستان که طی سالیهای اشغال توسط فاشیستها و جنگ دوم جهانی، ویران شده و زخم خورده بود، برگزار گردید.

شرکت کنندگان در پنجمین جشنواره در یکی از میادین جنگ و درگیری پارتیزانهای آزادیبخش لهستانی با اشغالگران فاشیست گرد هم آمدند و به نشانه همبستگی با خلقهایی که برای رهایی از استعمار و دستیابی به حق تعیین سرنوشت می رزمند آتش

بمناسبت سالگرد شهادت خسرو روزبه مردی که اسطوره شد

بقیه از صفحه اول

پرداخت، او در همین دوره کتاب " اطاعت کورکورانه" را که سنت حاکم بر دستگاه ارتش را مورد انتقاد قرار می داد، منتشر ساخت.

در تمامی سالها، زندگی و سرنوشت روزبه، حزب و جنبش در هم گره خورده بود و فراز نشیب جنبش آنها را متأثر می کرد. جوتورو و خفقان اگر چه بر سختی و دشواری راه مبارزه می افزود، اما روزبه با الهام از مقاومت خلق و به نیروی اندیشه حزب و با تکیه بر اراده پولادین و خلل ناپذیرش در مقابل مصائب و مشکلات دشمن ساخته سینه سپر می کرد. ضربات دشمن را خنثی می کرد و هم چنان بایستگی به ادامه کاری تشکیلات حیات می بخشید.

روزبه قبل و بعد از ۲۸ مرداد چندین بار دستگیر و زندانی شد ولی هر بار به شکلی و به همت یاران خود از چنگ دشمنانش رهایی یافت. آخرین بار ۱۵ تیر سال ۱۳۳۶ بود که دستگیر شد، این بار برایش دام گذاشته بودند. دژ خیم هر چه نیرو داشت بسیج کرده و در محل قرارش کمین کرده بود، و پس از یک نبرد شدید، مجروح و خونین به اسارت دشمن درآمد. ۹۰ ماه از زندگی اش را در شکنجه گاه قزل قلعه سر آورد.

رژیم برای تهرئه خود و برای محاکمه روزبه و اندیشه اش دادگاه تشکیل داد اما روزبه آن را به محاکمه خود رژیم تبدیل کرد. او در این دادگاه با سخنانی پر شور، مستدل و کوبنده و با ایمانی خارا این هر آنچه را که علیه حزب توده ایران و بنیان فکری آن ادعا شد رد کرد و به دفاع از میهنش، از اندیشه اش و آرمانهایش پرداخت: او از درد جامعه و درمان آن سخن گفت: " اگر عاشق و شفیقه سوسیالیسم هستم، با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود برتری اصول آن را بر سایر رژیم ها احساس کرده ام و محرک من در هر عملی که انجام داده ام، آرزوی تحقق این اصول و بالنتیجه ایجاد بنای نوین برای جامعه ایران و سرانجام تأمین سعادت و رفاه و سربلندی و آزادی و شرف ملت عزیزم بوده است."

(از دفاعیات خسرو روزبه)

روزبه به جوخه اعدام سپرده شد، اما راه اوبی رهرو نماند. او هنوز زنده بود که به اسطوره بدل شد و آتانه که دلیرانه جان باخت بر شکوه این اسطوره افزوده گشت. در میان ارتش منش او به یک سرمشق بدل شد. چه بسیار نظامیان شرافتمند و وطن پرستی که همواره این سرمشق تابناک را در ذهن داشتند و چه بسیار کسان که مستقیماً راه او را پیش گرفتند.

در جریان انقلاب و بعد از آن سرمشق روزبه، بیشتر و بیشتر به منبع الهام نظامیان میهن دوست بدل گشت. رژیم جمهوری اسلامی پا در جای پای شاه نهاد و کوشید مشعلی را که او بر افروخته بود خاموش سازد. این رژیم همانند شاه معدوم جمعی از رهروان راه او را به جوخه اعدام سپرد.

حاصل چه شد؟ رژیم ننگی دیگر را دامن تنیر خود کرد، اما مشعل روزبه همچنان تابنده ماند. در کنار این مشعل فروزان نااهای ارجمند دیگری بر افق آینده پرتومی افکنند.

چشواره در شرایطی برگزار میشد که خلق ویتنام مدخله گران آمریکایی را به زانو در آورده و آنجلا دیویس تحت فشار افکار عمومی بین المللی از خطر مرگ رهایی یافته بود. آنجلا دیویس پس از آزادی در چشواره بر لاین شرکت جست و از جمله سخنرانان اصلی در مراسم بایانی آن بود. در اوایل دهه هفتاد سیاست تشنج زدائی و تلاش برای حفظ امنیت و همکاری در اروپا به موفقیت هایی رسیده بود.

پازدهمین چشواره جهانی جوانان و دانشجویان اولین بار خارج از خاک اروپا، با حضور ۱۸۵۰۰ میهمان از ۱۴۵ کشور که جمعاً ۲۰۰۰ سازمان را نمایندگی می کردند در تابستان ۱۹۷۸ در هاوانا، پایتخت کوبا، انقلابی برگزار شد. در فراخوان چشواره کوبا خطاب به جوانان همه کشورها به پیروزیهای جنبش ضد امپریالیستی جهانی اشاره شده است.

" ویتنام بار دیگر به وحدت رسیده و امپریالیسم در هندو چین با شکست مفتضحانه ای روبرو گشته است. سیستم مستعمراتی پرتغال در هم شکسته، خلق آنگولا پیروز شد. رژیم فئودالی اتیوپی سرتگون گشته است. این ها همه نشانه های گویایی از شرایط نوین جهانی میباشد."

چشواره اوج مهمان نوازی، محل بحث و بر خورد عقاید، آشنائیه و دوستی های بیشمار و عمل مشترک برای تأمین بهروزی بشریت بود. از سال ۱۹۴۷ تا کنون ایده تفاهم و همکاری نیروهایی که الزاماً دارای نقطه نظرهای سیاسی و ایدئولوژیک کاملاً واحدی نیستند، بر سرمائلی که برای بشریت دارای اهمیت حیاتی میباشد در سر لوحه شعارها و اهداف جنبش چشواره های جهانی قرار داشته است. شرکت کنندگان در چشواره ها، اعم از سوسیالیستهای چپ، سوسیال دمکرات ها، جوانان سدیکالیست، فعالین جنبشهای دمکراتیک و انقلابی، سازمانهای جوانان لیبرال و دمکرات مسیحی، اعضای جوان جنبش مقاومت فلسطین و افریقای جنوبی... جریانات ترقی خواه دمکراتیک جنبش بین المللی جوانان را نمایندگی می کردند. آنچه که این نیروها را گرد هم آورده و می آورد، عمل مشترک پیرامون شعار اصلی چشواره هاست: " زنده باد همبستگی بین المللی، صلح و دوستی!"

جعبه ابزار را در داخل بسازند، باید قالب مخصوصی بزنند که قیمت آن خیلی بالا می رود و قابل مقایسه با قیمت خارجی نیست.

ما در این مجموعه اصلاً فرغان ندیدیم و ما نیازی هم به فرغان در واگن پارس نداریم و من اصلاً نمی دانم فرغان چه است. شاید در ترجمه اشتباه شده است و سوال کننده محترم به ما بگوید.

پاسخ. سوال سوم را من اصلاً ضروری نمی بینم. اختیار مدیران شرکتهای ما طبق قانون کار این است که استخدام کنند و در موارد لزوم به خدمت افراد خاتمه بدهند. اگر مساله بعد سیاسی و امنیتی داشت ضرورت داشت که توضیح داده بشود. ایشان یک کارمند دیپلمه بوده که بطور آزمایشی در سال ۶۳ استخدام شده و پس از ۶ ماه به کارش خاتمه دادند، آنهم به دلیل این که ایجاد اختلال در محیط کار می کرده است."

درباره تاریخچه جنبش...

بقیه از صفحه ۹
علیه برگزاری آن در وین زدند. آنها با استفاده از امکانات مالی "سیا"ی آمریکا و دیگر سازمانهای جاسوسی امپریالیستی در وین چندین صد هزار اعلامیه و جزوه را از طریق پست به خانه های مسکونی ارسال داشتند. همزمان با برگزاری چشواره ضد کمونیستهای حرفه ای در نقاط گوناگون وین غرفه ها و نمایشگاههای رتارکتی دایر نمودند و برنامه های تبلیغاتی گسترده ای به راه انداختند و روی هم رفته در حد توانشان بر سپاسی در افکار عمومی علیه چشواره سعی ورزیدند. این تشبثات با شکست مفتضحانه مواجه شد.

در تابستان ۱۹۶۲، ۱۸۰۰۰ تن از ۱۴ کشور جهان طی یک راهپیمایی گسترده در شهر هلسینکی پایتخت فنلاند، هشتمین چشواره جهانی را افتتاح کردند. برای نخستین بار یکی از روزهای چشواره هلسینکی به موضوع " علم، پیشرفت و آینده" اختصاص داشت. سخنران اصلی برنامه ای که تحت همین عنوان در چهارچوب چشواره برگزار شد، رفیق پیوری کاکارین، ۲۸ ساله، عضو کومسومول لنینی اتحاد شوروی بود. اولین انسانی که درون کشتی فضائی دور زمین گردیده بود. سازمانهای بین المللی نظیر سازمان ملل متحد و یونسکو نیز رسماً نمایندگانی به هشتمین چشواره کسبل داشته بودند. رئیس جمهوری فنلاند و نیز اعضای کابینه دولتی این کشور، در برخی از مراسم چشواره هلسینکی شرکت جستند.

۲۰۰۰ نماینده جوانان از ۱۴۲ کشور در تابستان ۱۹۶۸ در صوفیه گرد هم آمدند و نهمین چشواره جهانی را برگزار نمودند. بیست و نهم ژوئیه به مثابه روز همبستگی بین المللی با جوانان ویتنام اعلام گردید. ۵۰۰ تن از میهمانان چشواره داوطلبانه یک روز تمام به نفع جوانان ویتنام به کار پرداختند. موضوعات اصلی بحث بین شرکت کنندگان در چشواره مبارزه برای احقاق حقوق جوانان، حق آموزش و بهداشت، کار، آزادی، دمکراسی و صلح بود.

دهمین چشواره جهانی جوانان و دانشجویان در ژوئیه و اوت ۱۹۷۳ بار دیگر در برلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان برگزار شد. ۲۵۰۰ جوان از ۱۲۰ کشور چشواره را عرصه همبستگی پرشور با جنبشهای ضد امپریالیستی و صلح گردانیدند.

سه ویرسه سؤال

بقیه از صفحه ۸

خرید یک مقدار ابزار برای واگن پارس در شرایطی که طرح می خواهد راه بیفتد و در این شرایط اضطراری ما می خواهیم هر چه زودتر یک مقدار ابزار آلات مورد نیاز طرح را بیاوریم که طرح راه اندازی بشود. مشاور طرح یک لیستی به مبلغ ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار مارک داده و این را سریعاً به مناقصه گذاشته است. در این مناقصه برنده پیدا شده و قرارداد منعقد گردیده. در لیست اقلام مناقصه از جمله پالت چوبی بوده که جمع معامله اش ۴۲ هزار مارک است که مطابق با ۲۰۰ هزار تومان است. اقلام دیگری که اشاره می کنند که مبلغ آن ۵۲۱ هزار مارک است. و این ۵۲۱ هزار مارک که در اینجا صورت دارد، مدعی هستیم که در داخل ساخته می شود که یکی از آنها پالت چوبی و جعبه ابزار پلیاستیکی است. اگر بخواهیم این

رویدادهای جهان



کارگران جهان اول ماه مه را جشن گرفتند

میلیونها تن کارگر در سراسر جهان در روز اول ماه مه به خیابانها رفته و در مبارزه برای صلح و علیه ستم و استثمار تجدید عهد کردند.

— در مسکو صف مردمی که از میدان سرخ گذشتند، یکصد مترها درازا داشت. رهبری حزب و دولت شوروی بر فراز جایگاه مخصوص در مراسم شرکت جستند.

— در ورشو صدها هزار تن از اهالی پایتخت لهستان با شرکت در راهپیمایی اول ماه مه از سیاست حزب و دولت اعلام پشتیبانی نمودند. ژنرال یاروزلسکی دبیر اول حزب متحد کارگران لهستان در پیشاپیش صف راهپیمایی حرکت می کرد. وی طی سخنانی گفت لهستان امسال اول ماه مه را در شرایط بهتری نسبت به سالهای پیش برگزار می کند.

— شعارهای ماه مه بزرگترین اتحادیه سندیکایی فرانسه، بنام ث. ث. ث.، علیه بحران و بیکاری به شعارهای هدایت کننده تظاهرات اول ماه مه در پاریس و سایر شهرهای فرانسه تبدیل شد.

در مکزیک کمیته حدود دو میلیون نفر با شرکت در تظاهرات اول ماه مه خواهان حفظ صلح و تفاهم میان ملل شدند. بر روی پلاکاردها شعارهایی علیه سیاست مداخله جویانه ایالات متحده در آمریکای مرکزی دیده می شد. تظاهرکنندگان خواهان اقداماتی برای بهبود سطح زندگی مردم بودند.

مراسم باشکوه بزرگداشت سالگشت پیروزی پرفاشیسم در مسکو

صبح پنجشنبه نهم ماه مه، رژه باشکوهی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری در میدان سرخ مسکو برگزار شد. در این رژه، سربازانی که در جنگ شرکت جست بودند و نیز افرادی که درست چهل سال پیش در همین روز، در میدان سرخ رژه رفتند، از برابر آرامگاه لنین گذشتند. پارتیزانهای سالخورده، زنان قهرمان پشت جبهه و نیز واحدهایی از ارتش های لهستان و چکسلواکی با به دست گرفتن درفش های ظفر نمون خود جلوه خاصی به مراسم داده بودند. مارشال سوکولف وزیر دفاع شوروی طی سخنی گفت ارتش سرخ "همه وسایل ضروری را برای دفع هر حمله ای در اختیار دارد. وی با اشاره به برنامه تسلیحاتی فضایی آمریکا اظهار داشت: "هر کس برای حمله به اتحاد شوروی و متحدانش نقشه بکشد، از انتقام در امان نخواهد ماند." وی در عین حال افزود اتحاد شوروی در راه حصول "توافقی های قابل قبول" با همه کشورهای جهان می کوشد.

همچنین شامگاه هشتم ماه مه نیز مجلس ضیافتی به همین مناسبت در کاخ کرملین برگزار گردید. میخائیل گرباچف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در این مجلس خاطر نشان

ساخت: "خطر جدی که بشریت را تهدید می کند، از ناحیه میلیتاریسم آمریکاست." وی افزود اوضاع پیچیده و حتی خطرناک است، اما ما بر آنیم که امکانات کاملا واقعی برای انجام زدن به نیروهای میلیتاریسم وجود دارد.

میخائیل گرباچف با جمع بندی فداکاریهای مردم شوروی در جبهه ها و پشت جبهه ها، که برتری مطلق و زوال ناپذیری نیروهای سوسیالیسم را به اثبات رساند، گفت: "کار عظیم در جبهه و پشت جبهه توسط حزب، کمیته مرکزی آن و کمیته دفاع دولتی به رهبری یوزف و یسار یونویچ استالین دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) هدایت می شد." این سخنان گرباچف کف زدنهای ممتد حضار را به دنبال داشت.

در مقابله با تحریم اقتصادی آمریکا نیکاراگوئه تنها نیست

تحریم اقتصادی نیکاراگوئه از سوی آمریکادر همه کشورهای جهان با مخالفت و ابراز خشم روبرو شد. رهبری جبهه آزادیبخش ملی ساندنیست نیکاراگوئه (اف. اس. ال. ان) اعلام داشت: "آمریکایی خواهد نیکاراگوئه را از طریق گرسنگی به تسلیم وادارد. آنها می خواهند ما را با مشکلات اقتصادی به زانو در آورند. اما مرکز موفق نخواهند شد."

دانیل اورتنکا رئیس جمهوری نیکاراگوئه که هنگام اعلام خیر تحریم اقتصادی، از کشورهای اروپای خاوری بازدید می کرد، گفت احتمالا این تحریم اقدامات نظامی را نیز به دنبال خواهد داشت.

اتحاد شوروی، سایر کشورهای سوسیالیستی اعلام داشتند در غلبه بر مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم آمریکایی، به نیکاراگوئه یاری خواهند رساند. در اتحاد شوروی، چکسلواکی، رومانی، مجارستان و بلغارستان، اورتنکا قراردادهایی را در این زمینه با مقامات این کشورها به امضا رسانید. یک هفته پس از اعلام تحریم اقتصادی، دو کشتی باری شوروی در بندر کورنیتوی نیکاراگوئه پهلو گرفتند. این دو کشتی، حامل ۱۲ هزار تن گندم، همین مقدار روغن و ۷ هزار بشکه گازوئیل بودند.

جنبش عدم تعهد اقدامات ضد نیکاراگوئه ای آمریکا را شدیداً محکوم نمود. دفتر هماهنگی این جنبش طی یک نشست در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک، بنام ۱۰۱ کشور عضو بیانیه ای به تصویب رساند که در آن اقدامات آمریکا به منظور سرنگونی دولت نیکاراگوئه محکوم شده است.

واکنش دولتهای مختلف نشان میدهد که آمریکا با تحریم اقتصادی، خود را منفرد کرده است. نه نیکاراگوئه را، سخنگوی وزارت امور خارجه سوئیس اعلام کرد این کشور به علت موضع بیطرفانه خود، سیاستش را در قبال آمریکای مرکزی — از جمله کمک اقتصادی به نیکاراگوئه — تغییر نخواهد داد. ایتالیا و ايسلند اعلام کردند در تحریم اقتصادی شرکت نخواهند جست. کانادا که معمولاً در همه موارد از آمریکا پیروی می کند، مخالفتی با گشایش دفتر تجاری نیکاراگوئه در اتاوا پایتخت کانادا ابراز نداشت. صادرات موز نیکاراگوئه که بخش عمده آن تاکنون در آمریکایه فروش میرفت، از طریق بروکسل

پایتخت بلژیک در اروپا توزیع خواهد شد. روزنامه انگلیسی "فایننشال تایمز" نوشت تحریم مزبور "به اقتصاد آمریکا اگر بیش از دولت نیکاراگوئه ضربه نزنند کمتر ضرر وارد نمی کند".

از سوی دیگر فرمانده کل پیشین گروه ضد انقلابی "نیروی دمکراتیک نیکاراگوئه" به نام افرن موندراگون ریورا با استفاده از عفو عمومی اعلام شده توسط دولت نیکاراگوئه در ماناگوآ خود را به مقامات تسلیم کرد. ریورا که در شمال کشور یک گروه ضد انقلابی را رهبری می کرد دو ماه پیش به سفارت مرکزی در پایتخت هندوراس پناهنده شده بود. وی در یک کنفرانس مطبوعاتی در ماناگوآ گفت افرادی که به جد شدن از گروههای ضد انقلابی تمایل نشان دهند، توسط افراد این گروهها معمولاً به قتل میرسند و اجسادشان در گورستانهای دور افتاده هندوراس دفن میشود. رهبر سابق گروه ضد انقلابی همچنین افزود افراد گروه پیشین وی در خاک هندوراس توسط "سیای آمریکا و نظامیان هندوراس تعلیم می بینند."

ابر از مخالفت مردم اروپای غربی باریگان

ریگان در سفر اخیر خود به اروپای غربی با موجی از ابراز مخالفت مردم کشورهای عضو ناتو مواجه شد. یکی از کشورهایی که ریگان از آن دیدار به عمل آورد، آلمان فدرال بود. در این کشور رهبران هفت قدرت عمده امپریالیستی (آمریکا، بریتانیا، فرانسه، ژاپن، آلمان فدرال، ایتالیا، و کانادا) گرد آمدند تا بر مسائل اقتصادی، سیاسی و نظامی به موضع مشترکی برسند. اما امسال نیز منافع متضاد انحصارات سه مرکز عمده امپریالیسم، یعنی آمریکا، اروپای غربی و ژاپن، باعث شد تا توافق همه جانبه در مورد مسائل اقتصادی و تجاری حاصل نشود. در حالیکه آمریکا بر ادامه سیاست زورگویی اقتصادی، تجاری و گمرکی خود پافشاری می نمود، سایر کشورهای امپریالیستی خواهان کاهش نرخ دلار و حذف کمر بودجه عظیم دولت آمریکا بودند. در مورد مسائل سیاسی، پیرامون مهمترین مسئله دستور کار اجلاس، یعنی سلاحهای فضایی، به علت مخالفت فرانسه توافق حاصل نشد.

حضور ریگان بر مزار افسران و سربازان ارتش فاشیستی و اس-اس هیتلر در سراسر جهان با موجی از اظهارات انزجار و خشم روبرو شد. در خود آمریکا اکثریت قاطع مجلس نمایندگان و سنا خواهان لغو این بخش از برنامه دیدار ریگان شده بودند. در سایر کشورها نیز مانند آمریکا مردمی که چهل سال پیش با شرکت در نبرد ضد فاشیستی پشت آلمان هیتلری را به خاک سائیدند، این عمل ریگان را محکوم کردند. گس هال دبیر کل حزب کمونیست آمریکا گفت دیدار ریگان از قبرستان فاشیستها در "بیتبورگ" ماهیت وی را به نمایش گذاشت.

وی افزود ریگان در این دیدار به دنبال "آشتی" با فاشیسم و افکار فاشیستی بود نه با ملت آلمان. در اسپانیا مردم از ریگان با یک تظاهرات اعتراضی یک میلیون نفره استقبال کردند. در صدر موضوع های مطرح شده در این تظاهرات، محکومیت تحریم اقتصادی نیکاراگوئه توسط آمریکا، مخالفت با عضویت اسپانیا در ناتو و تعطیل پایتگاههای آمریکایی در اسپانیا بود.

پیروزی بزرگ خلق سودان مصاحبه با ابراهیم نقود، دبیرکل حزب کمونیست سودان

● سقوط ژنرال نمیری، در سودان و تحولات هفته‌های اخیر در این کشور نظر همه نیروها را به سوی این کشور بزرگ آفریقائی و عربی جلب کرده است. ما در شماره‌های گذشته رئوس اخبار مربوطه را با زتاب داده ایم. برای آشنائی بیشتر با مضمون این تحولات و وضعیت کنونی مبارزه در سودان، در این شماره مصاحبه‌ای از رفیق ابراهیم نقود، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان را با خبرنگار روزنامه فرانسوی اومانیتیه منتشر می‌کنیم. این مصاحبه اخیراً در خارطوم صورت گرفت.

حزب کمونیست سودان همواره پیشتاز مبارزه مردم این کشور علیه امپریالیسم و ارتجاع بوده است. هیچگاه از فشار سهمین حکومت‌های دست‌نشانده و دیکتاتوری علیه این حزب کاسته نشد و حزب قربانی‌های زیادی در مبارزه علیه این حکومت‌ها داده است که از برجسته‌ترین آنان رفیق عبدالخالق محبوب دبیرکل پیشین بود. او را در سال ۱۹۷۱ آدمکشان نمیری به نحوی وحشیانه به قتل رساندند. رفیق محبوب شخصیت برجسته جنبش کمونیستی و انقلابی در جهان عرب و در قاره آفریقا بود. داغ این جنایت پلید برای همیشه بر پیشانی نمیری خائن نقش بسته است.

حزب کمونیست سودان وظایف انقلابی خود را اگر چه به قیمت قربانی‌های بسیار با استواری و سرختی ادامه داد. در سیاه‌ترین سالهای دیکتاتوری شبکه‌های حزبی فعالیت افشاگرانه و سازمان‌گرا خود را دنبال کردند. رفیق ابراهیم نقود در سال ۱۹۷۱ پس از شهادت رفیق محبوب به ست دبیرکل حزب کمونیست سودان برگزیده شد. او در تمام ۱۴ سال گذشته (بمانند ۴ سال از دوره حکومت ژنرال عبود) در داخل سودان در شرایط زندگی مخفی بسر برده بود. رفیق نقود در چنین شرایطی حزب را رهبری کرده است. ثمره این فداکاریهای بزرگ، نقشی است که امروزه حزب طبقه کارگر سودان در تحولات کشور ایفا می‌کند.

مصاحبه خبرنگار اومانیتیه با رفیق نقود در خانه امنی در خارطوم صورت گرفت. زیرا او هنوز هم مخفی است، چرا که اوضاع را هنوز هم نمی‌توان باید ارتصور کرد.

○ پرسش: سقوط نمیری به چه معناست؟

پاسخ: به معنای یک پیروزی بسیار بزرگ و بنیادین خلق سودان. نباید ابعاد جنبش را کمتر از آنچه هست تصور کرد. البته اکنون دستگاه نظامیان خود را در میان این روند افکنده است. اما خلق ما که توانست نمیری را سرنگون کند، خواهد توانست زیر دستانش را هم ساقط نماید. این روند، نه کار یک حزب، که کار همه نیروهای دمکراتیک چه جناح چپ و چه جناح راست است. باید ارزش واقعی این نیروها را در نظر گیریم. ما به هیچ وجه سکتاریست نیستیم.

○ پرسش: ارتش چه نقشی ایفا می‌کند؟

پاسخ: قبل از مداخله ارتش انتظار می‌رفت نظامیان از دگرگونی‌های ریشه‌ای جلوگیری کنند. اما دستگاه ارتش در معرض فشار زیادی از جانب افسران جوان و سربازان و از سوی جنبش اجتماعی که بر رهبری، تأثیر می‌گذارد، قرار دارد. باید از هرگونه مقایسه با آنچه در پرتغال و یوگوسلاوی گذشت اجتناب ورزید.

○ پرسش: حزب کمونیست چه نیرویی را تشکیل می‌دهد؟

پاسخ: حزب ۱۶ سال مبارزه مخفی، حکومت نظامی، بازداشت‌های جمعی و سالها زندان برای بسیاری از رفقا را پشت سر دارد. حزب ما آزمون سرکوب توسط نمیری، سیا و سازمان امنیت را که می‌خواستند ما را از عرصه زندگی سیاسی سودان حذف کنند، از سر گذرانده است. حزب کمونیست اینک قانونی است. نمایندگان آن در همه مذاکرات با شورای نظامی، سایر احزاب و سازمانهای صنفی شرکت دارند. ما در حال حاضر مشغول سازماندهی مجدد نیروهایمان هستیم، چرا که باید دقیقاً بیندیشیم چگونه می‌خواهیم وارد مبارزه علنی شویم. ما به هیچ وجه به آن نیروهایی که می‌خواهند اوضاع را به

صورت پیشین بازگردانند کمک نخواهیم کرد.

○ پرسش: حزب کمونیست سودان چه سیاستی را دنبال می‌کند؟

پاسخ: ما به روند دمکراتیک باور داریم. هدف ما آن است که از همه حقوق سیاسی استفاده کنیم و کارگران را برای شرکت در این روند بسیج نمائیم. این امر محتاج زمان است.

می‌خواهیم جناح چپ و راست خلیف نیروهای دمکراتیک را متحد سازیم، از آزادی‌ها و حقوقی که خلق ما با مبارزه دوباره به دست آورده است دفاع کنیم، همه قوانین ضد دمکراتیک (به ویژه حقوق اسلامی تحمیل شده) را لغو نمائیم و با همه کسانی مبارزه کنیم که می‌خواهند ارتش همچنان بر سر قدرت بماند. در ۲۸ سال که از استقلال سودان می‌گذرد، تنها سال حکومت غیرنظامی وجود داشته است.

ما برآنیم که شورای موقت نظامی بیش از حد قدرت در اختیار دارد. این قدرت باید میان نظامیان، دولت، احزاب و سندیکاها تقسیم شود... سخن بر سر یک پیکار بسیار سترگ دمکراتیک است، مبارزه برای محو همه بقایای دیکتاتوری، به محاکمه کشاندن همه همدستان نمیری و عقب نشاندن سرمایه خارجی - به ویژه آمریکا و مداخله جویی آن.

○ پرسش: وسایر نیروهای سیاسی؟

پاسخ: در جنوب، "جنبش رهایی بخش خلق" نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کند. هیچ تغییری بدون تقاضا ممکن نیست. سرهنگ گاراتی، رئیس این جنبش، یک سیاستمدار جدی، و یک اقتصاددان و افسر خوب است. او خواهان وحدت سودان و تحولات اجتماعی در شمال و جنوب است. او نخستین سیاستمدار جنوب است که چنین موضعی دارد.

احزابی نظیر "امت" (جنبش انصار) و یا حزب اتحاد دمکراتیک (فرقه خاتمیه، که ژنرال ذمب پیرو آن است) احزاب بورژوازی هستند که می‌توان آنها را ارتجاعی قلمداد کرد. در حال حاضر این احزاب خود را طرفدار آزادیهای دمکراتیک نشان می‌دهند. این امر اهمیت دارد. چند حزب نوین و کوچک (در حدود ۲۵ حزب) اعلان موجودیت کرده‌اند. چنین چیزی پس از ۱۶ سال نظام تک حزبی طبیعی است. بسیاری از مردم در جستجو هستند. ما با همه این احزاب و سازمانها روابط خوبی داریم.

○ پرسش: خطر اصلی در کجاست؟

پاسخ: در اخوان المسلمین، که یک سازمان فاشیستی است و افراد نمیری و ۴۵ هزار عضو سازمان امنیت منحل، که فقط ۲ هزار تن از آنان بازداشت شده‌اند. این گروه‌ها توسط سپاه ایت می‌شوند.

○ پرسش: اوضاع اقتصادی سودان بسیار وخیم

است. عواقب این امر کدامست؟

پاسخ: اوضاع ناامید کننده و فاجعه باری است. چندین سال است که قحطی ادامه دارد. گرسنگی بر جنبش دمکراتیک تأثیر منفی می‌گذارد. مردمی که گرسنگی می‌کشند، نمی‌توانند مبارزه کنند. کمکی که از آمریکا و عربستان سعودی می‌آید، چیزی جز یک مسکن کوتاه مدت نیست. سودان به یک نمونه کلاسیک از عواقب سیاست صندوق بین‌المللی پول و خودداری از تمکین به تحمیلات صندوق بین‌المللی پول، بازگرداندن سرمایه‌های خارج شده و مصادره اموال بخش سرمایه‌داری انکلی ایجاد شده توسط نمیری است. صرف نظر از جنبه اقتصادی آن، این امر از اهمیت زیاد اخلاقی نیز برخوردار است.

وابستگی سودان در عرصه کشاورزی سال به سال بیشتر شده است. غله آمریکا برای واشنگتن یک اهرم اعمال فشار سیاسی است. از این رو باید تلاشها در بخش کشاورزی و در وهله اول روی تولید غله متمرکز شود تا این وابستگی کاهش یابد. البته این کار دشوار خواهد بود. در صورت وجود یک دولت دمکراتیک غلبه بر بحران نیازمند پنج یا شش سال زمان است، چرا که باید عقب ماندگی کشور را در نظر گرفت. بدون یک حکومت دمکراتیک، این امر یکی غیر ممکن است. برای این ادعا به اندازه کافی دلیل وجود دارد.

AKSARIYAT
No.56
MONDAY APR.13.85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!